

چکیده

در دو دهه گذشته، در کشورهای پیشرفته صنعتی، رقابت در بازارهای مالی و قوانین و مقررات سخت-گیرانه کنترلی، بانک‌ها را مجبور کرد که به فعالیت‌های خارج از ترازنامه روی آورند؛ به‌طوری که در این کشورها، در سال‌های اخیر، ارزش مبادلات خارج از ترازنامه به چندین برابر ارزش دارایی‌ها رسیده است. این گسترش چشمگیر به‌همراه دو مشاهده قابل تأمل در مورد بانک‌های ایران، نکات مغفول بسیاری را درباره عملکرد بانک‌ها در ارتباط با سایر بازارها و نیز در پاسخ به تقاضای بازار آشکار خواهد کرد. مشاهده اول حاکی از آن است که بانک‌های کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی و نسبت به فعالیت‌های ترازنامه‌ای خود، بسیار کمتر به فعالیت‌های خارج از ترازنامه پرداخته‌اند و اصولاً تنها انواع معدودی از این خدمات در ایران شناخته شده است. بخش عمده فعالیت‌های خارج از ترازنامه ناظر بر تقسیم و تخصیص ریسک به‌وسیله بانک‌ها است که در بانکداری جهانی با فعالیت در بازارهای مشتقه (OTC) انجام می‌شود. چنین بازارهایی در ایران وجود ندارد. مشاهده دوم نشانگر توجه روزافزون بانک‌های خصوصی به عملیات خارج از ترازنامه است. با توجه به آمارهای موجود، این مسئله بر اساس قدرت بازار و نسبت‌های سرمایه محاسبه‌شده مورد بررسی قرار گرفته است. کلمات کلیدی: فعالیت خارج از ترازنامه^۱، فعالیت ترازنامه‌ای^۲، ضمانت‌نامه^۳، اعتبار اسنادی^۴، محصولات مشتقه.

¹ off-balance-sheet activity

² on-balance-sheet activity

³ guarantee

⁴ letter of credit

مقدمه

در دهه 1980، رقابت در بازارهای مالی بانکها را از یک سو مجبور کرد که به ارائه خدماتی روی بیاورند که نسبت به خدمات سنتی ارزش افزوده بیشتری را ایجاد کند و از سوی دیگر تقاضای روزافزون مشتریان خود را برای برآوردن نیازهای جدیدشان پاسخ گویند. برای این منظور، بانکها تکنیکهای مدیریت نقدینگی جدید و پیچیدهتری را پیشنهاد کردند که شامل تعهدات وام، خطهای اعتباری و ضمانتنامه می‌شدند. بانکها، همچنین، مبادله‌های سوپ، مصون‌سازی و تضمین اوراق بهادار را نیز گسترش دادند. از نظر حسابداری، هیچ‌یک از اقلام گفته‌شده، یک دارایی یا بدهی واقعی برای بانک محسوب نمی‌شوند؛ چراکه دارای ماهیتی مجازی و مشروط هستند و فقط جریان نقدی تصادفی را شکل می‌دهند. به همین دلیل، این نوع کارکردهای بانک، به‌عنوان فعالیت‌ها یا عملیات خارج از ترازنامه طبقه‌بندی شدند.

اگر بر اساس منطق اقتصادی، مسئله یک بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی حداکثر کردن سود آن باشد، در آن صورت مدیریت بانک سعی در حداقل کردن هزینه‌ها و حداکثر کردن درآمدهای خود خواهد کرد تا از این طریق تا بیشترین بازدهی را برای سهامداران خود دربرداشته باشد. در ادبیات بانکداری به فرآیند حداقل کردن هزینه‌ها در مسئله حداکثرسازی سود بانک، مدیریت بدهی‌ها گفته می‌شود و به فرآیند حداکثر کردن درآمد، مدیریت دارایی‌ها اطلاق می‌شود. تلفیق مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در جهت حداکثرسازی سود بانک است که همواره به مسئله ترکیب معیار درجه نقدشوندگی با معیار میزان سوددهی منجر می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، یک بانک به‌عنوان بنگاهی اقتصادی حداکثرکننده سود، با توجه به مسئله ترکیب معیار نقدشوندگی با معیار سوددهی¹، می‌تواند به خرید و فروش دارایی‌های ریسکی بپردازد؛ چه این دارایی‌ها را داخل ترازنامه وارد بکند، چه به‌عنوان اقلام خارج ترازنامه در نظر بگیرد. بنابراین، بانکها ممکن است که بخواهند خود را از ریسک مصون بدارند (یعنی، همانند کسی که بیمه‌ای را می‌خرد، عمل کنند) یا برعکس، ریسک را بپذیرند (یعنی، در جایگاه کسی قرار بگیرند که بیمه‌ای را می‌فروشد). البته، با توجه

¹ این مسئله را می‌توان به‌عنوان بده-بستان ریسک و بازدهی نیز بیان کرد.

به این واقعیت که شکست یک بانک می‌تواند آثار بیرونی منفی مخربی را در پی داشته باشد، ناظران بانکها نیز باید با همان دقتی که فعالیتهای داخل ترازنامه را بررسی می‌کنند، فعالیتهای خارج از ترازنامه را نیز کنترل کنند.

این مقاله دو هدف اساسی را دنبال می‌کند. اول اینکه فعالیتهای خارج از ترازنامه را به‌دقت تعریف و معرفی کرده، علت‌های رشد سریع آنها در نظام بانکداری دنیا را بررسی و سپس به مزایا و معایب آنها بپردازد.

با در نظر گرفتن موقعیت کنونی صنعت بانکداری در ایران که از یک سو قدم‌های اولیه خصوصی‌سازی و توجه به مباحث کارایی و سوددهی را برمی‌دارد و از سوی دیگر، روزبه‌روز در تعامل هرچه بیشتر با اقتصاد جهانی قرار می‌گیرد، توجه به فعالیتهایی که به افزایش حاشیه سود بانکها در یک فضای رقابتی کمک کند و موجب کاهش ریسک‌های متعدد پیش‌روی آنها شود، ضروری به‌نظر می‌رسد. زمانی این ضرورت با قدرت بیشتری خود را نشان می‌دهد که اهمیت آن از بعد تقاضا نیز مورد توجه قرار گیرد. در یک صنعت پویای مبتنی بر فعالیت بخش خصوصی، وجود نهادهای واسطه‌ای مالی که به‌طور مؤثر و با حداقل کردن هزینه مبادله، سرمایه‌ها را به سمت تولید هدایت کنند و امکانات و ابزارهای لازم را در اختیار بنگاه‌ها قرار دهند، یکی از مهمترین الزامات محسوب می‌شود.

هدف دوم این مقاله بررسی تجربه بانکداری ایران در فعالیتهای خارج از ترازنامه، مقایسه آن با کشورهای پیشرفته صنعتی و ارائه معیاری برای کنترل و سنجش میزان بهینه درگیر شدن در چنین فعالیتهایی است. به‌نظر می‌رسد که به‌رغم تجربه بانک‌های دنیا و واقعیتهای تجربه شده موجود در این‌گونه فعالیتهای، تاکنون چه از سوی بانک‌ها (طرف عرضه) و چه از سوی مشتریان بانک (طرف تقاضا) در ایران این امور مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

لازم به ذکر است که در این مقاله، منظور از فعالیتهای خارج از ترازنامه همان اقلام زیر خط یا حساب‌های انتظامی در ادبیات حسابداری بانکی ایران است.

11-1- تعریف فعالیت‌های خارج از ترازنامه

ترازنامه به‌خودی خود تمام فعالیت‌هایی که یک بانک به آن‌ها می‌پردازد را مشخص نمی‌کند؛ زیرا بانک‌ها می‌توانند مبادله‌ها، قراردادهای و تعهدات بسیاری را در خارج از ترازنامه انجام دهند. به‌چنین فعالیت‌ها و مبادله‌هایی که در ترازنامه ظاهر نمی‌شوند، فعالیت‌های خارج از ترازنامه می‌گویند. فعالیت‌های خارج از ترازنامه معمولاً در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی گزارش می‌شوند.

به‌بیان دقیق‌تر، یک قلم یا یک فعالیت، یک دارایی خارج از ترازنامه است، اگر در اثر یک اتفاق احتمالی به بخش دارایی‌های ترازنامه منتقل شود یا در صورت سود و زیان به‌صورت یک مورد درآمدی تحقق پیدا کند. درمقابل، یک قلم یا یک فعالیت، یک بدهی خارج از ترازنامه است، اگر در اثر یک اتفاق احتمالی به بخش بدهی‌های ترازنامه منتقل شود یا در صورت سود و زیان به‌صورت یک مورد هزینه‌ای نشان داده شود.

11-2- انواع فعالیت‌های خارج از ترازنامه

فعالیت‌های خارج از ترازنامه شامل فعالیت‌های کارمزدی¹ مانند انواع مختلف ضمانت‌نامه² (مثل اعتبارهای اسنادی³ و اعتبارهای اسنادی ضمانتی⁴)، خطوط اعتباری⁵، تعهدات وام⁶ و نیز فعالیت در بازارهای مشتقه⁷ (OTC)⁸ نظیر فورواردها⁹، آتی-ها¹⁰، اختیارهای معامله¹¹ و سواپ‌های نرخ بهره¹² می‌شود.

به‌جز دسته‌بندی بالا که فعالیت‌های خارج از ترازنامه را به فعالیت‌های کارمزدی و فعالیت در بازارهای مشتقه تفکیک می‌کند، فعالیت‌های خارج از ترازنامه را می‌توان

¹ fee related activities

² guarantee

³ letters of credit

⁴ standby letters of credits

⁵ line of credit

⁶ loan commitments

⁷ derivatives

⁸ over the counter derivatives (OTC)

⁹ forwards

¹⁰ futures

¹¹ options

¹² interest rate swaps

بر اساس ماهیت اختیار معامله نیز تفکیک کرد. بر این اساس، فعالیت‌های خارج از ترازنامه مطالبات مجازی هستند که دارای ماهیتی چون اختیار معامله هستند^۱ و یا نیستند. تعهدات وام، فروش وام^۲، اختیارهای معامله و اعتبارهای اسنادی ضمانتی مطالبات مجازی هستند که دارای ماهیتی چون اختیار معامله هستند و سوابق‌های نرخ بهره، مبادلات ارز^۳ با قرار تسویه در آینده، فورواردها و آتی‌ها دارای ماهیتی غیر از اختیار معامله هستند.

در زیر، بدون توجه به نوع تقسیم‌بندی، معروفترین و پرکاربردترین فعالیت‌های خارج از ترازنامه معرفی شده‌اند.

1-2-11- تعهد وام

یک تعهد وام، تعهد به اعطای تسهیلات به یک مشتری براساس یک قرارداد است که در آن مبلغ، دوره بازپرداخت و همه شرایط دیگر وام (نظیر نرخ بهره، حداکثر میزان تسهیلات و غیره) از پیش مشخص شده است.

2-2-11- فروش وام

وام‌های فروخته‌شده، وام‌هایی هستند که بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، طراحی کرده‌اند و به سرمایه‌گذاران می‌فروشند؛ به این شرط که در صورت تضعیف شرایط اعتباری^۴ وام در آینده، به مؤسسه مبدأ بازگردانده شوند.

3-2-11- اعتبارهای اسنادی

اعتبارهای اسنادی، ضمانت‌نامه‌هایی هستند که بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی به‌منظور تضمین^۵ عملکردهای آتی خریداران می‌فروشند. اعتبارهای اسنادی تجاری بیشتر به‌منظور کمک به تسهیل عملیات تجاری داخلی و خارجی بنگاه‌ها بکار می‌روند و نقش یک بانک

¹ option like

² loan sales

³ Forex

⁴ credit quality

⁵ underwrite

یا مؤسسه مالی این است که برای پرداخت هزینه کالای فروخته شده، تضمینی رسمی فراهم کند؛ به طوری که اگر خریدار کالا در پرداخت هزینه اش در آینده با مشکل روبه رو شود، بانک آن را بپردازد.

4-2-11- خط‌های اعتباری

یک خط اعتباری، توافقی است بین یک بانک و یک مصرف کننده که در آن بانک قبول می کند که طی دوره ای در آینده، حداکثر تا حد توافق شده ای، وجوهی را به مصرف کننده وام بدهد. البته بانک این اختیار را دارد که در صورت تغییر شرایط مالی یا ورشکستگی قرض گیرنده در استفاده از خط اعتباری براساس توافق انجام شده، از توافق عقب نشینی کند.

سازمان های بزرگ برای تأمین مالی تعهدات آتی خود و فروش موجودی انبار خود، به طور گسترده ای از خطوط اعتباری استفاده می کنند.

5-2-11- اعتبارهای اسنادی ضمانتی

یک اعتبار اسنادی ضمانتی، ضمانت نامه ای است که یک بانک یا یک مؤسسه مالی منتشر کرده و می فروشد. این اعتبارهای اسنادی، برای خریدار آن احتمال وقوع حوادثی را پوشش می دهند که بندرت به وقوع می پیوندند، غیرقابل پیش بینی هستند و در صورت وقوع بسیار جدی و خطرناک هستند.

لازم به ذکر است حوادثی که اعتبارهای اسنادی ضمانتی آنها را پوشش می دهند، به طور لزوم به فعالیت تجاری خریدار این نوع اعتبارهای اسنادی مربوط نمی شوند.

6-2-11- اوراق بهادار زمان انتشار¹

اوراق بهادار زمان انتشار، تعهدات آتی در خرید و فروش اوراق بهاداری هستند که قرار است در آینده منتشر شوند. این کار موجب می شود که بانک ها و مؤسسه های مالی تا حدودی بتوانند ریسک نرخ بهره را کاهش دهند.

¹ when issued securities

7-2-11- تبدیل به اوراق بهادار¹

تجميع وام‌های مشابه هم (مثلاً رهن‌های خانه²) برای ایجاد یک اوراق قرضه استاندارد شده (مثلاً اوراق قرضه متکی بر رهن) را "تبدیل به اوراق بهادار" می‌گویند. در این صورت، بهره‌دارندگان این نوع اوراق قرضه خاص از بهره‌پرداخت شده برای وام‌های اصلی پرداخت می‌شود.

تبدیل به اوراق بهادار روش تأمین مالی مهمی است که از آن استفاده می‌شود تا دارایی‌های قابل نقد شدن³ را به اوراق بهاداری برای فروش به سرمایه‌گذاران (در یک بازار ثانویه) تبدیل کند. افزون بر آن امکان مالی ایجاد شده، "تبدیل به اوراق بهادار" خود یک نوع مدیریت ریسک نرخ بهره به وسیله بانک نیز تلقی می‌شود. سرمایه‌گذار نیز علاوه بر منبع تأمین مالی جدیدی که در اختیارش قرار گرفته است، از مزایای تخفیف ناکامل بودن بازار و تقسیم ریسک بهره‌مند می‌شود. البته تبدیل به اوراق بهادار مشکلات ویژه خود را نیز دارد که فقدان استاندارد سازی از جمله این موارد است.

8-2-11- اوراق بهادار مشتقه⁴

اوراق بهادار مشتقه، اوراقی هستند که با داد و ستد در بازارهای دست‌دوم ایجاد می‌شوند که مهمترین آنها در زیر آمده‌اند.

1-8-2-11- فورواردها

یک فوروارد قرارداد خرید یا فروش یک قلم کالا به قیمتی معین است که تحویل و پرداخت وجه آن در زمان مشخصی در آینده صورت می‌گیرد.

2-8-2-11- آتی‌ها

آتی‌ها قراردادهایی هستند که در رابطه با داد و ستد انواع کالاها و خدمات خرید و فروش می‌شوند. در این قراردادها، تحویل کالا و پول در تاریخ معینی در آینده صورت می‌گیرد.

¹ securitization

² home mortgages

³ cash generating assets

⁴ derivative securities

معمولاً قراردادهای آتی که در بورس‌های جهانی معامله می‌شوند، در رابطه با اقلامی چون طلا، فلزات گرانبها، غلات، گوشت و غیره هستند.

3-8-2-11- سوپ‌ها

به‌طور کلی سوپ عبارت است از مبادله یک دارایی (یا بدهی) با یک دارایی (یا بدهی) مشابه به‌منظور طولانی‌تر یا کوتاه‌تر کردن سررسید آن یا افزایش یا کاهش بهره پرداختی بابت آنها.

4-8-2-11- اختیارهای معامله

حق امتیاز فروش یا خرید، دریافت یا تحویل یک کالا یا اوراق بهادار، منطبق با شرایط بیان‌شده و با در نظر گرفتن قیمت است. به صلاحدید دارنده اختیار معامله، این حق امتیاز می‌تواند اعمال بشود یا نشود. شکست در اعمال اختیار معامله منجر به خسارت و زیان می‌شود.

در بانکداری، اختیار معامله در حق یک بیمه‌گذار¹ یا یک ذی‌نفع² در انتخاب نحوه پرداخت عایدات، یک قرارداد بیمه نیز گفته می‌شود.

3-11- دلایل رشد سریع فعالیت‌های خارج از ترازنامه در 20 سال اخیر

مانند هر فعالیت اقتصادی، عوامل مختلف مؤثر در رشد سریع فعالیت‌های خارج از ترازنامه را می‌توان از دو جنبه عرضه و تقاضا بررسی کرد. در سوی عرضه، انگیزه بانک‌ها در انجام عملیات خارج از ترازنامه را می‌توان در دو دسته کلی عوامل اقتصادی-مالی و عوامل مقرراتی-نظارتی قرار داد. عوامل اقتصادی مالی به انگیزه روزافزون بانک‌ها به افزایش درآمد و کاهش ریسک مربوط می‌شوند و عوامل مقرراتی-نظارتی انگیزه بانک‌ها در

¹ insured

² (beneficiary) دریافت‌کننده منافع و پول‌هایی که در یک وصیت‌نامه، قرارداد بیمه یا قراردادهای دیگر نوشته شده باشد.

کاهش هزینه‌های مبادله (شامل هزینه‌های اعمال و نظارت قوانین و مقررات بانکی و حسابداری) را نشان می‌دهند.

به این ترتیب، بانک‌ها با انتقال فعالیت‌ها به خارج از ترازنامه، امیدوارند که درآمد کارمزدی بیشتری را کسب کنند تا حاشیه سود و برتری خود در تجارت وام‌دهی سنتی را که در حال کاهش است، پوشش دهند. هم‌زمان با این هدف، بانک‌ها می‌توانند با انتقال این نوع فعالیت‌ها به خارج از ترازنامه، از هزینه‌های نظارتی یا مالیات‌ها نیز اجتناب کنند؛ چراکه الزامات اندوخته¹ و پرداختی بابت بیمه سپرده به فعالیت‌های خارج از ترازنامه تعلق نمی‌گیرد.

در طرف تقاضا نیز، گسترش بازارهای جهانی و پیچیده‌تر شدن روزافزون روابط اقتصادی کالا، سرمایه و پول را به همراه داشته است. هم‌زمان با توسعه است که عوامل اقتصادی نیاز به ابزارهای مالی متنوع و هوشمندانه‌تری پیدا می‌کنند که با پیچیدگی‌های محیط‌های اقتصادی و اجتماعی موجود سازگار باشد. در این راستا، از بانک‌ها، به عنوان مهمترین واسطه‌های مالی هر نظام اقتصادی، انتظار می‌رود که به این تقاضای روزافزون بنگاه‌ها و عوامل اقتصادی جهت تقسیم ریسک و تسهیل مبادلات اقتصادی پاسخ دهند. در مجموع دلایل رشد فعالیت‌های خارج از ترازنامه را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- 1- کاهش حاشیه سود در روش‌های سنتی بانکداری تجاری
- 2- حوزه عمل گسترده بانک‌ها برای سازمان‌دادن به ابزارهای مالی مورد نیاز نظام اقتصادی
- 3- علاقه بانک‌ها به ذخیره سرمایه و اجتناب از الزامات اندوخته
- 4- افزایش نوسان‌پذیری قیمت اوراق بهادار² که موجب افزایش تقاضای شرکت‌ها برای مدیریت ریسک شده است.

³ (reserve requirements) درصدی از سپرده‌های مشتریان که بانک ملزم است به صورت اندوخته یا ذخیره کنار بگذارد را الزام اندوخته می‌گویند. نسبت الزام اندوخته تعیین‌کننده میزان گسترش سپرده‌ها است. البته الزامات اندوخته، به عنوان عامل کنترلی برای وام‌دهی بانک‌ها عمل می‌کند؛ به طوری که پایین بودن الزامات اندوخته به بانک‌ها امکان وام‌دهی بیشتری را می‌دهد و برعکس.

¹ (volatility) تغییراتی است که امکان دارد به صورت ناگهانی در قیمت یک نوع اوراق بهادار رخ دهد.

5- برخی کمک‌های دولتی برای تنوع‌بخشیدن به ریسک‌های پیش‌روی بانک‌ها؛ آنجا که بانک‌ها محدود به یک ناحیه مشخص هستند. مانند حمایت دولت آمریکا از بازار تبدیل به اوراق بهادار رهنی¹.

6- مقررات‌زدایی²

7- پیشرفت‌های تکنولوژیک (توسعه محصولات جدید، ایجاد شکل‌های جدید واسطه‌گری) در ادامه به دو مورد از مفیدترین و پرکاربردترین فعالیت‌های خارج از ترازنامه که در ایران، نسبت به سایر کشورها، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و دلایل رشد آنها به‌طور خاص پرداخته شده است.

1-3-11- اعتبارهای اسنادی ضمانتی

در میان تمامی فعالیت‌های خارج از ترازنامه که بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه آمریکا، به آن مشغولند، انتشار اعتبارهای اسنادی ضمانتی توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. مشاهدات متعدد نشان‌دهنده رشد سریع این فعالیت‌ها در طول سال‌های گذشته است، حال آنکه نقش چنین ابزاری در مواردی از ورشکستگی بانک‌ها به‌دلیل افزایش معنادار ریسک را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

اعتبارهای اسنادی ضمانتی خود نوعی اعتبار اسنادی هستند. LC یا اعتبار اسنادی، قراردادی متشکل از سه طرف است:

1- انتشاردهنده³ (بانک)

2- طرف حساب⁴ (مشتری بانک)

3- ذی‌نفع⁵

که در آن بانک ملزم به تضمین پرداخت مبلغ یا برآورد تعهد طرف حساب در قبال ذی‌نفع است. عموماً اعتبارهای اسنادی به دو نوع زیر تقسیم می‌شوند:

¹ securitized mortgage market

² deregulation

³ issuer

⁴ account party

⁵ beneficiary

- 1- اعتبارهای اسنادی سنتی بازرگانی، که عموماً جهت فاینانس انتقال و انبار کالا بکار می‌روند.
 - 2- اعتبارهای اسنادی ضمانتی، که در انواع گوناگون مبادلات همچون انتشار اوراق قرضه¹ و قراردادهای ساخت² استفاده می‌شوند.
- برخلاف اعتبارهای اسنادی بازرگانی که با مشاهده فهرست اقلام کالاهای حمل‌شده قابل پرداخت هستند، اعتبارهای اسنادی ضمانتی با مشاهده تخلف در عملکرد طرف حساب درقبال ذی‌نفع قابل پرداخت هستند.
- با توجه به آنکه اعتبارهای اسنادی ضمانتی، در صورت عدم انجام تعهدات طرف حساب قابل پرداخت به ذی‌نفع از سوی بانک هستند، تضمینی از عملکرد مالی و اقتصادی قرارداد موردنظر نیز به حساب می‌آیند.
- اعتبارهای اسنادی ضمانتی مشمول تضمین مالی، بانک انتشاردهنده را ملزم به پرداخت اصل و بهره متعلق به ذی‌نفع در برابر قرارداد با طرف حساب می‌کنند. حال آنکه در اعتبارهای اسنادی مربوط به تضمین عملکرد قراردادهای ساخت، بانک تنها در صورت به اتمام نرسیدن پروژه به وسیله طرف قرارداد، ملزم به پرداخت به ذی‌نفع می‌شود.
- با انتشار چنین اعتبارهای اسنادی معمولاً بانک ریسکی را که متوجه ذی‌نفع است، می‌پذیرد؛ هرچند که سرانجام این طرف حساب است که ریسک بانک را جبران می‌کند و در عوض پرداخت کارمزد بانک و کاهش ریسک ذی‌نفع، انتظار دارد که قیمت بیشتری را بابت اوراق قرضه منتشرشده یا خدمت انجام‌شده از ذی‌نفع دریافت کند. به‌طور کلی، طرف حساب، اعتبارهای اسنادی را انتخاب می‌کند که هزینه مبادله‌اش (کارمزد بانک) کمتر از ارزش تضمین انجام‌شده برای ذی‌نفع³ باشد. میزان این مابه‌التفاوت بین کارمزد بانک و پرداخت حاشیه‌ای ذی‌نفع در ازای تضمین انجام‌شده به دو عامل بستگی دارد:
- اول -** میزان اعتبار بانک تضمین‌کننده در مقایسه با اعتبار طرف حساب و هزینه‌های نسبی گردآوری اطلاعات برای بررسی اعتبار هر یک

¹ debt issuance

² construction contracts

³ the value of the guarantee to the beneficiary

دوم- مزیت نسبی بانک در پذیرش ریسک در اثر خطای طرف حساب که بیشتر اوقات به رقابت بین انتشاردهندگان اعتبار اسنادی ارتباط دارد.

به عنوان مثالی از گسترش اعتبارهای اسنادی ضمانتی در دو دهه اخیر، می توان به بانک های آمریکا اشاره کرد که در آن ها ارزش اعتبارهای اسنادی ضمانتی از 80 میلیارد دلار در سال 1982 به 153/2 میلیارد دلار در سال 1985 (90 درصد رشد) افزایش یافت که بیشتر این میزان رشد در 25 بانک بزرگ با افزایش بیش از 40 میلیارد دلار در اعتبارهای اسنادی ضمانتی رخ داده است. به جدول (1-11) توجه کنید.

این رشد نمایی در اعتبارهای اسنادی ضمانتی نتیجه رشد سریع بازار محصولات تضمینی¹ در دهه 80-1970 آمریکا بود. این موضوع شرکت های بیمه و شرکت های ضامن² را نیز با ارائه پوشش های تضمینی از قبیل پوشش ریسک اعتبار³ (تضمین کننده بازپرداخت اصل و بهره تعهدات)، پوشش ریسک دارایی ها مانند تضمین کیفیت سیستم ها⁴ و غیره را با رشد سریع منابع از محل درآمدهای حق بیمه مواجه ساخت؛ به طوری که، در بین سال های 1980 تا 1984 حق بیمه های دریافتی از محل عملیات تضمینی⁵ با رشد 80 درصدی از رقم 900 میلیون دلار به 1/6 میلیارد دلار رسید.⁶

¹ guarantee type product

² surety companies

³ credit risk core age

⁴ system performance guarantee

⁵ surety operator

⁶ Barbara (1986).

جدول 1-11: میزان انتشار اعتبارهای اسنادی براساس اندازه بانک

(میلیارد دلار)

شرح	1979	1980	1981	1982	1983	1984	ژوئن 1985	سهم
بانک‌های با دارایی بیشتر از 100 میلیون دلار	۳۴/۸	45/7	69/9	93/8	117/4	۱۳۴/۳	۱۵۳/۲	100
25 بانک بزرگ	27/2	36/5	55/5	77/6	91/5	111/2	117/9	77
10 بانک بزرگ	24/3	32	47/9	65	77/1	92/4	96/3	63
15 بانک بزرگ دیگر	2/9	4/5	7/6	12/6	14/4	18/8	21/6	14
دیگر بانک‌ها	6/9	9/2	14/4	20/9	25/9	33/1	35/3	23

مأخذ: Quarterly report of creditor

2-3-11- فروش وام

وام‌های فروخته‌شده وام‌هایی هستند که بانک‌ها و مؤسسات مالی طراحی کرده و از طریق تأمین مالی آن به‌وسیله بانک‌های مبدأ به سرمایه‌گذاران واگذار می‌شوند. با این شرط که در صورت تضعیف شرایط اعتباری وام در آینده به مؤسسه مبدأ بازگردانده شوند. در قرارداد فروش وام‌های تجاری رابطه بانک فروشنده و وام‌گیرنده، به‌صورت اعتباردهنده- قرض‌گیرنده (بستانکار- بدهکار) تعریف می‌شود؛ یعنی اینکه بانک فروشنده مسئول انجام خدمات وام، تعهدات¹، پی‌گیری شرایط مالی قرض‌گیرنده و مدیریت مسائل مربوط با بدحسابی مشتریان است که در عوض اجرای این خدمات، کارمزدی برابر تفاوت بین نرخ پرداختی قرض‌گیرنده به بانک و بازده تعهدشده خرید وام دریافت می‌کند.

¹ enforcing covenants

براساس قوانین کنونی بانکی، برخی از اقلام فروش وام که پیرو آن تضمینی را متوجه بانک انتشاردهنده در قبال خطای مشتری می‌کند، باید به‌صورت دارایی در ترازنامه تلقی شود که به‌دنبال آن مشمول الزامات سرمایه و ذخیره‌ای نیز می‌شود. بنابراین، طبیعی است (و شواهد نیز گویای آن است) که فروش این وام‌های با مسئولیت¹ بندرت انجام پذیرد. به‌رغم اینکه فروش وام‌های بدون مسئولیت از ملزومات ذخیره و سرمایه‌ای معاف هستند، اما تعاملات بانک با خریدار در زمینه کیفیت وام فروش‌رفته (مسئله کژگزینی) و نظارت بر قرض‌گیرنده (مسئله کژمنشی) از طریق روش‌های گوناگونی مانند تأمین مالی بخشی از وام فروش‌رفته به‌وسیله بانک فروشنده، فروش وام بلندمدت به‌صورت اجزای کوتاه‌مدت و غیره افزایش می‌یابد. آمارها و اطلاعات بدست‌آمده بیانگر رشد چشمگیر وام‌های فروش‌رفته در دو دهه اخیر است.

3-3-11- دلایل رشد اعتبارهای اسنادی ضمانتی و فروش وام

دلایل رشد و استفاده از فروش وام و اعتبارهای اسنادی ضمانتی در چند دهه گذشته از دو جنبه عرضه و تقاضا درخور بررسی است. در قسمت تقاضا بیشتر به رشد بازارهای تأمین مالی مستقیم و افزایش ریسک کلی اقتصاد توجه می‌شود، حال آنکه در بخش عرضه این فعالیت‌ها، دو رویکرد انگیزه‌های مقرراتی و انگیزه‌های غیرمقرراتی مطرح است. در این قسمت به تفصیل به بررسی جنبه‌های عرضه و تقاضای این ابزارهای مالی و عوامل مؤثر بر رشد آنها پرداخته می‌شود.

1-3-3-11- عوامل مؤثر بر تقاضای اعتبارهای اسنادی ضمانتی و فروش وام

دو عاملی را که عمدتاً در رشد بازارهای تضمین‌های مالی یا در حالت ویژه فروش وام و اعتبارهای اسنادی ضمانتی می‌توان مؤثر دانست، عبارتند از:

¹ loan sells with recovers

اول- رشد بازارهای تأمین مالی مستقیم^۱ در طول چند دهه گذشته که منجر به افزایش ریسک اعتباری سرمایه‌گذاران شده است. این بازارهای تأمین مالی مستقیم مانند بازار اوراق بهادار از اواخر دهه 60 میلادی با رشد بی‌سابقه‌ای روبه‌رو بوده - است که دلیل عمده آن را می‌توان در دستیابی به منابع مالی ارزان در این بازارها در مقایسه با دیگر واسطه‌گرهای مالی دانست.

دوم- رشد سریع بازار تضمین‌های مالی در چند سال گذشته نیز به افزایش ریسک کلی اقتصادی مربوط بوده است. تورم‌های لگام گسیخته، نوسانات نرخ بهره سبب ایجاد نوسانات شدید در قیمت دارایی‌ها و بازده سرمایه‌گذاری‌ها شد به دنبال آن تقاضا برای ابزارهایی مانند اعتبارهای اسنادی و دیگر تضمین‌های مالی متعارف کاهش یافت.

در اینجا لازم است به بانک‌ها به‌عنوان انتشاردهندگان تضمین‌های مالی با هزینه کم، به دلیل برخورداری از مزیت صرفه‌جویی در تخصص^۲، نیز اشاره شود. این نهادهای مالی افزون بر توانایی تنوع‌بخشیدن به ریسک مرتبط با این تضمین‌های مالی، به‌علت برخورداری از روابط نزدیکتر با مشتریان در دیگر بخش‌های فعالیت بانک مانند سپرده‌گذاری و تسهیلات مالی، از مزیت هزینه‌های حاشیه‌ای پایین‌تر در به‌دست‌آوردن اطلاعات جهت ارزیابی اعتبار مشتریان نیز برخوردارند. افزون بر این، بانک‌ها برخلاف شرکت‌های بیمه، تضمین‌های خود را از طریق تنظیم وثیقه با طرف حساب نگهداری نمی‌کنند؛ زیرا دارای حق کسر حساب سپرده طرف حساب خود هستند که این موضوع نیز به جذابیت بیشتر بانک‌ها در ارائه تضمین‌های مالی افزوده است.

2-3-11- عوامل مؤثر بر عرضه اعتبارهای اسنادی ضمانتی و فروش وام

دلایل رشد طرف عرضه فعالیت‌هایی از قبیل فروش وام و انتشار اعتبارهای اسنادی ضمانتی به‌طور کلی به دو گروه دلایل مبتنی بر عوامل مقرراتی و دلایل غیرمقرراتی تقسیم می‌شود.

¹ direct finance

² economics of specialization

توضیحات مبتنی بر عوامل مقرراتی بیشتر متمرکز بر انگیزه‌های ملزومات کفایت سرمایه، ذخیره بانکی و بیمه سپرده است و توجیهات غیرمقرراتی به دنبال بررسی رخدادهای فعالیت‌ها حتی در غیبت مقررات بانکی و بیمه سپرده است.

الف - انگیزه‌های مقرراتی:

دو فرضیه در زمینه چگونگی اثرگذاری قوانین و مقررات بر میزان استفاده از اعتبارهای اسنادی ضمانتی و فروش وام وجود دارد: فرضیه مقررات مالیاتی و فرضیه کژمنشی.

فرضیه مقررات مالیاتی به این مطلب می‌پردازد که فروش وام‌ها و انتشار اعتبارهای اسنادی ضمانتی، واکنش به تحمیل برخی مقررات مالیاتی است. به‌عنوان مثال، هزینه نگهداری ذخیره‌های بدون درآمد بهره، رعایت الزامات سرمایه‌ای و سطح حق بیمه‌های سپرده‌ای منجر به افزایش هزینه سرمایه در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی می‌شود. بنابراین بانک‌ها با اینکه دارای مزیت نسبی در ضمانت و خدمات وام هستند، اما مقررات مالیاتی مانع از سودآوری در ارائه تسهیلات می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه مقررات بانکی بیشتر از منافع حاصل از دسترسی به تضمین سپرده‌ای و تخفیف‌های خزانه‌داری می‌شود؛ یعنی اینکه بیمه سپرده در صورت در نظر گرفتن مقررات مالیاتی، گرانتر قیمت‌گذاری می‌شود.

با بودن این هزینه‌ها، اگر میزان حداکثر بدهی به سرمایه تعیین شده به وسیله ارگان‌های ناظر کمتر از آن چیزی باشد که بانک‌ها در حالت نبودن چنین مقرراتی داشتند، آنگاه ملزومات سرمایه‌ای می‌تواند به افزایش هزینه‌های تأمین مالی بانکی در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی منجر شود.

فرضیه دوم (فرضیه کژمنشی) به چگونگی اثرگذاری مقررات و بیمه سپرده بر فعالیت‌های خارج ترازنامه می‌پردازد. این فرضیه بر انگیزه بانک‌ها در افزایش اهرم مالی و ریسک در هنگامی که بیمه سپرده در نرخ ثابت تنظیم می‌شود، تأکید دارد. به این ترتیب، بانک‌ها با افزایش اهرم و ریسک دارایی‌ها می‌توانند منافع مرتبط با تضمین‌های سپرده‌ای با

نرخ ثابت را افزایش دهند. براساس مطالعات انجام شده^۱، نرخ ثابت بیمه سپرده به‌همراه ملزومات سرمایه‌ای، انگیزه فعالیت‌های خارج از ترازنامه و افزایش اهرم مالی را ایجاد می‌کند. ب- انگیزه‌های غیرمقرراتی:

انتشار اعتبارهای اسنادی ضمانتی و یا فروش وام می‌تواند مدیریت نرخ بهره را آسانتر کند. ضمن اینکه سبب گوناگونی در پرتفولیوی وام‌ها نیز می‌شود. اعتبارهای اسنادی ضمانتی این امکان را برای بانک‌ها فراهم می‌کند که ریسک نرخ بهره را از ریسک اعتباری مرتبط با وام جدا کند. با انتشار این نوع اعتبارهای اسنادی، بانک ریسک اعتباری را می‌پذیرد حال آنکه طرف ذی‌نفع یا خریدار، ریسک مربوط به تغییرات ارزش وام که در اثر تغییرات غیرمنتظره در نرخ بهره رخ می‌دهد را برعهده می‌گیرد. فروش وام این امکان را برای بانک فراهم می‌کند که سرمایه‌گذاری را به‌طور متنوع‌تری در مقایسه با زمانی که هم آن‌ها را ایجاد و هم سرویس^۲ می‌دهد انجام دهد.

دومین دسته از توجیهات فروش وام و انتشار اعتبارهای اسنادی ضمانتی، آن است که بانک‌ها در راستای چنین فعالیت‌هایی اجازه انتشار مطالبات با پشتوانه وثیقه را پیدا می‌کنند. در واقع، بانک‌ها می‌توانند با فروش وام و انتشار اعتبار اسنادی ضمانتی، مانند مؤسسات مالی غیربانکی، مطالبات با پشتوانه انتشار دهند.

4-11- برخی ملاحظات درباره فعالیت‌های خارج از ترازنامه

رشد فعالیت‌های خارج از ترازنامه در دو دهه گذشته بانک‌ها را با مسائل جدیدی روبه‌رو کرده است که پیش از آن شناخته‌شده نبودند. در این قسمت به برخی از این مسائل اشاره می‌شود. این بررسی‌ها از این جهت مفیدند که بانکداری رو به توسعه و پیشرفت ما را که در پی گسترش حوزه عمل خود در بازارهای داخلی و خارجی است، با مسائلی که ممکن است با آنها روبه‌رو شود، آشنا می‌کند.

¹ Christopher (1987)

² originals and services

آنچه که در ادامه به عنوان برخی ملاحظات درباره فعالیت‌های خارج از ترازنامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مربوط به موجودیت‌های خارج از ترازنامه، مسئله ریسک، مسئله بهره‌وری، مسئله ارزش سرمایه و مسئله اهرم است.

1-4-11- موجودیت‌های خارج از ترازنامه

بنگاه‌ها و از جمله بانک‌ها گاهی از موجودیت‌های خارج از ترازنامه¹ استفاده کرده‌اند تا به تأمین مالی فعالیت‌های جدید کمک کنند. موجودیت‌های خارج از ترازنامه، در واقع شرکت‌های تابعه‌ای هستند که یک شرکت مادر یا یک بانک ایجاد می‌کند تا به فعالیت‌های اقتصادی جدیدی بپردازد. با توجه به اینکه نتایج عملکرد این شرکت‌های تابعه در ترازنامه شرکت مادر درج نمی‌شود، ایجاد موجودیت‌های خارج از ترازنامه یک نوع فعالیت یا عملیات خارج از ترازنامه محسوب می‌شود.

از نظر تئوری، شرکت‌های خارج از ترازنامه شرکت مادر که از آن‌ها به عنوان موجودیت‌های مستقل خارج از ترازنامه نام برده شد، برای انتقال ریسک فعالیت‌های اقتصادی جدید شرکت مادر طراحی شده‌اند تا به این وسیله، بدون اینکه خطری متوجه سهامداران کنونی شرکت مادر شود یا به حجم بدهی‌های آن اضافه شود، فعالیت‌های اقتصادی جدید مورد نظر، تأمین مالی شوند. البته، گاهی برای انجام بخشی از یک پروژه تجاری شرکت مادر، شرکت‌های مستقلی ایجاد می‌شوند و گاهی نیز شرکت‌های مستقل برای انجام فعالیتی که کاملاً با فعالیت شرکت مادر متفاوت است، ایجاد می‌شوند. خارج کردن فعالیت جدید، سرمایه‌گذاران را وادار نمی‌کند که ریسک فعالیت جدیدی را بپذیرند. افزون بر این، می‌توانند از تقاضای بازار برای فعالیت جدید نیز استفاده کنند.

اگر یک بانک اقدام به ایجاد موجودیت خارج از ترازنامه بکند، نیاز به تضمین بدهی شرکت تابعه جدید نیز درخواست قابل قبولی است که عموماً بانک‌ها آن را پاسخ می‌دهند.²

¹ off-balance- sheet entities

² Wayman (2002)

2-4-11- فعالیتهای خارج از ترازنامه و ریسک

یکی از دلایل انجام فعالیتهای خارج از ترازنامه به وسیله بانکها، پوشش ریسک نرخ بهره است. همان طور که گفته شد، دلیل اصلی ایجاد شرکت های خارج از ترازنامه نیز انتقال ریسک از بانک یا شرکت مادر به آنها است. با این حال، استفاده از این ابزارها برای مدیریت ریسک خود منجر به انواع مختلف و متعددی از ریسک برای بانکها شده است که قضاوت کلی درباره نتیجه مدیریت ریسک حاصل از پرداختن به فعالیتهای خارج از ترازنامه را با ابهام روبه رو کرده است.

سواپهای نرخ بهره، قراردادهای آتی و فرووارد، حقوق اختیار معامله و تبدیل به اوراق بهادار همه عملیات خارج از ترازنامه ای هستند که برای ایمن ساختن¹ بانک از ریسک نرخ بهره به کار می روند.

بنت (1986)² نشان داد که فعالیت خارج از ترازنامه، افزایش ریسک اعتبار³ را موجب می شود؛ چراکه این فعالیتها بدون الزامات قانونی اضافی خاص خود، فرصتی را برای افزایش در خور توجه اهرم مالی⁴ فراهم می آورند. به عنوان مثال، اگر یک بانک یک اختیار معامله را بخرد، ممکن است که ریسک نرخ بهره اش کم شود، اما ریسک اعتبارش افزایش خواهد یافت.

بر اساس دیدگاه چودری (1992)⁵، بانکها در اثر پرداختن به فعالیتهای خارج از ترازنامه با ریسک نقدینگی نیز روبه رو می شوند. اصولاً ریسک نقدینگی به این دلیل وجود دارد که ممکن است تعداد بسیاری از مشتریان خواهان قرض گرفتن بخواهند در یک زمان باشند. برای مثال، تعهدات وام به میزان چشمگیری، ریسک نقدینگی را افزایش می دهند. در مورد ضمانت نامه هایی که بانک برای موجودیتهای قانونی مستقل (شرکت های تابعه خود) صادر می کند نیز همواره این احتمال وجود دارد که به دلیل رکود و کساد در بازار فعالیتهای شرکت های تابعه یا کژمنشی⁶ کارکنان آنها، به اجرا گذاشته شوند.

¹ hedge

² Bennet (1986)

³ credit risk

⁴ leverage

⁵ Chaudry(1992)

⁶ moral hazard

به این ترتیب، می‌توان گفت که بانک‌ها همان‌طور که با استفاده از اقلام خارج از ترازنامه به دنبال مزایای کاهش ریسک نرخ بهره یا انتقال ریسک هستند، باید ریسک‌های دیگری که استفاده از این اقلام به بار می‌آورند را نیز در نظر داشته باشند.

3-4-11- فعالیت‌های خارج از ترازنامه و بهره‌وری

مطالعات اخیر درباره فعالیت‌های خارج از ترازنامه نشان می‌دهند که در نظر نگرفتن فعالیت‌های غیرسنتی یک بانک منجر به عدم شناخت صحیح محصولات آن می‌شود. راجرز (1998)¹، استیرو (2000)² و کلارک و سیمز (2002)³ و کازو و گیراردن (2004)⁴ استدلال کردند که با حذف اقلام خارج از ترازنامه در برآورد کارایی هزینه و سود بانک، ممکن است محصولات بانک به درستی شناسایی نشده و به نتیجه‌گیری‌های نادرست منجر شود. همچنین، براساس گفته کازو و گیراردن (2004)، در نظر گرفتن اقلام خارج از ترازنامه منجر به افزایش سطوح بهره‌وری برآورد شده برای بانک‌ها می‌شود. با توجه به این رویکرد در ادبیات بررسی فعالیت‌های خارج از ترازنامه و نیز گستردگی استفاده بانک‌ها از این نوع ابزارها، یک تحلیلگر در بررسی کارایی و بهره‌وری یک بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی همواره می‌بایست اقلام خارج از ترازنامه را در برآوردهای اقتصادی خود منظور کند، هرچند که ممکن است از نظر حسابداری چندان مورد توجه نباشد.

4-4-11- فعالیت‌های خارج از ترازنامه و خلق ارزش

تأمین مالی خارج از ترازنامه یکی از روش‌های تأمین مالی عملیات شرکت است که در نتیجه آن دارایی‌ها یا بدهی‌های مرتبط با آن از ترازنامه حذف شده و به دنبال آن ساختار سرمایه و ریسک بنگاه تغییر می‌کند.

¹ Rogers (1998)

² Stiroh (2000)

³ Clark & Siems (2002)

⁴ Casu & Girardone (2004)

براساس نظریه‌های اقتصادی، هدف بنگاه افزایش ارزش آن به نفع سهامداران است و همه ابزارهای مالی نیز از آن جایی که در تأمین مالی پروژه‌های با ارزش کنونی مثبت به کار می‌روند، دارای ارزش هستند. پرسشی که مطرح می‌گردد، این است که چگونه ابزارهای تأمین مالی خارج از ترازنامه در مقایسه با انواع ترازنامه‌ای آن ایجاد ارزش می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال، ساختاری باید تبیین گردد که افزون بر سازگاری آن در تحلیل‌ها از توانایی لازم در شناسایی مسائل موجود، در تأمین مالی -از قبیل هزینه و امکان دسترسی به سرمایه، مهارت در فعالیتهای اصلی، ریسک‌ها و همچنین شفاف‌سازی اطلاعات نامتقارن- برخوردار باشد. اما از آنجایی که این زمینه‌های خلق ارزش متعدد بوده و عموماً به یکدیگر وابسته‌اند، ارائه تصویر روشنی از آنها با مشکلاتی همراه است. میلگوم و رابرت (1992) برای رفع این مشکل چهار عامل اصلی را معرفی کردند که بخش اعظم مطالب مربوط به ساختار خلق ارزش به آنها برمی‌گردد:

اول- هزینه سرمایه پایین‌تر

دوم- برخورداری از امکان انتخاب‌های استراتژیک (اختیار عمل مدیریت)

سوم- کاهش هزینه مبادله و اطلاعات نامتقارن

چهارم- انتقال ریسک

با توجه به ویژگی‌های روش‌های تأمین مالی خارج از ترازنامه مشاهده می‌شود که هر چهار معیار ایجاد ارزش عنوان‌شده از طریق این نوع روش‌های تأمین مالی احراز می‌شود؛ زیرا

- به دلیل برخورداری از مزیت‌های تقسیم ریسک و اطلاعات کامل‌تر، هزینه سرمایه پایین‌تر می‌آید.

- از آنجایی که ریسک بنگاه از ریسک سرمایه جدا می‌شود، بنابراین دسترسی به سرمایه نیز آسان‌تر می‌شود.

- با حذف برخی عملیات فرعی، لیکن لازم که بنگاه‌ها مایل به پرداختن به آنها نیستند، تمرکز بنگاه‌ها بر فعالیت تجاری اصلی خود بیشتر می‌شود.

- ریسک‌هایی که عموماً بنگاه‌ها مایل به پذیرش آن نیستند نیز توزیع شده و انتقال می‌یابد.

5-4-11- اقلام خارج از ترازنامه و اهرم

مسائل مربوط به نسبت اهرمی، از مهمترین عوامل ایجاد بحران‌های مالی بزرگی چون بحران مالی 1998 بوده است که با دیرکرد در بازپرداخت بدهی‌ها از طرف روسیه شروع شد.¹ یکی از این مسائل، توانایی مؤسسه‌های با نسبت اهرمی بالا² در جمع کردن اهرم در خارج از ترازنامه و فرار از بازرسی‌های ناظران و در نتیجه از بین بردن نقدینگی بازارها است. به این ترتیب، سنجه‌های سنتی مربوط به داخل ترازنامه³ نسبت اهرمی یک شرکت، یک مؤسسه مالی یا یک بانک را به طور دقیق ارائه نمی‌دهند؛ چراکه درجه بالایی از اهرم در فعالیت‌های خارج از ترازنامه نهفته است.

مطالعات انجام شده درباره سنجش اهرم ضمنی مستتر در مشتقات مالی، توافقی‌های بازخريد و ساير فعاليت‌های خارج از ترازنامه در مراحل اولیه خود است؛ به طوری که در ادبیات دانشگاهی تاکنون تلاش جامعی برای بررسی اهرم خارج از ترازنامه نشده است.

اخيراً به دلیل حساسیت این مسئله (به ویژه درباره بانک‌ها)، در برخی از گزارش‌ها، این موضوع به عنوان یک مسئله سیاست‌گذاری در بخش عمومی مطرح شده است. به عنوان مثال، کمیته بال بر اهمیت نقشی که اهرم در بحران‌های بازارهای سررسید دارد، تأکید کرد و ادعا کرد که اگر بانک‌ها اطلاعات بیشتری را درباره اقلام خارج از تراز به دست آورند، نسبت اهرمی وجوه تأمینی ساماندهی نشده⁴ می‌تواند کاهش یابد. با این حال، گزارش کمیته بال در عمل درباره چگونگی دستیابی به این امر پیشنهاد دقیقی ارائه نمی‌دهد.

بروئر (2002) در یکی از معدود مطالعات جامع انجام شده در این زمینه، روشی برای سنجش کمی درجه اهرمی ضمنی مستتر در تک‌تک انواع قراردادهای مشتقه را توسعه داده است. از نظر بروئر، این سنجۀ اهرمی ضمنی که برای هر ابزار مشتقه به دست

¹ Bruer (2002)

² highly leveraged institution

³ traditional on-balance- sheet measures

⁴ (unregulated hedge funds) صندوق سرمایه‌گذاری تأمینی (hedge funds)، وجوه سرمایه‌گذاری هستند که مدیر سرمایه‌گذاری اجازه دارد که از آن‌ها در مشتقات مالی و قرض گرفتن (به خصوص در مورد فعالیت‌های با ریسک بالا- برخلاف صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یا mutual funds) استفاده کند. این وجوه اصولاً تحت نظارت و ساماندهی مقررات نیستند.

می‌آید، با تجزیه آن ابزار مشتقه به جوه خود مؤسسه (حقوق صاحبان سهام) و جوه وام گرفته شده (بدهی‌های) متناظر آن به دست می‌آید. به این ترتیب، برای سنجش اقلام خارج از ترازنامه، معیاری به دست می‌آید که مبتنی بر دارایی‌های داخل ترازنامه است؛ یعنی معادل داخل ترازنامه‌ای اقلام خارج ترازنامه به دست می‌آید.

سنجه پیشنهادی را می‌توان به صورت مجموع استفاده کرد و اهرم داخل ترازنامه و خارج ترازنامه کلی را برای یک مؤسسه مالی به دست آورد. سنجه‌های اهرمی کلی، بینشی را درباره قابلیت شکست مؤسسه‌ها و حساسیت سرمایه‌گذاران به حرکت زیانبار¹ قیمت‌ها (که می‌تواند به عنوان شروع یک بحران تلقی شود) ارائه می‌دهد. افزون بر این، این رویکرد که در آن معادل داخل ترازنامه‌ای اقلام خارج از ترازنامه به دست آید، نسبت به کارگیری سرمایه تعدیل یافته‌ای را حاصل می‌کند که درجه اهرمی خارج از ترازنامه را نشان می‌دهد.

5-11- تجربه بانک‌های آمریکا در فعالیت‌های خارج از ترازنامه

در جدول (2-11) ارزش اسمی یا مجازی فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های آمریکا (توزیع و رشد آنها) در سال‌های 1992 تا 1999 درج شده است. با توجه به رشد نسبی ارزش اسمی فعالیت‌های خارج از ترازنامه، در جدول (2-11) مشاهده می‌شود که در فصل اول سال 1999 ارزش اسمی فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌ها 36978 میلیارد دلار است، در حالی که ارزش اسمی فعالیت‌های داخل ترازنامه آنها معادل 5410 میلیارد دلار بوده است. باید در نظر داشت که این‌طور نیست که ارزش اسمی فعالیت‌های خارج از ترازنامه، به طور دقیق منعکس کننده ریسکی باشد که بانک از انجام این‌گونه فعالیت‌ها می‌پذیرد. پنانسیل بانک در نفع بردن یا زیان کردن از یک قرارداد، براساس امکان تغییر در ارزش بازار آن قرارداد در طول عمرش تعیین می‌شود، نه براساس ارزش اسمی یا مجازی آن قرارداد که معمولاً کمتر از سه درصد ارزش اسمی یک قرارداد خارج از ترازنامه است.²

¹ adverse prices

² Saunders & Cornett (2001)

همچنین، در جدول (2-11) مشاهده می‌شود که در طول دوره 99-1992 استفاده از قراردادهای مشتقه به وسیله بانک‌ها شدت گرفته است و عامل اصلی رشد، فعالیت‌های خارج از ترازنامه (درکل) بوده است. در این دوره، همه اقسام قراردادهای مشتقه (فورواردها، آتی‌ها، سوپ‌ها و اختیارهای معامله) دارای رشد چشمگیری بوده‌اند. البته رشد عظیم فعالیت‌های مربوط به اوراق بهادار مشتقه¹ توسط بانک‌ها، پاسخ مستقیمی به ریسک‌هایی بوده است که چه از بعد داخلی و چه از بعد بین‌المللی با آنها روبه‌رو بوده‌اند. مانند افزایش ریسک نرخ بهره، ریسک اعتباری و ریسک نرخ ارز. به‌ویژه اینکه این قراردادها امکان مصون‌سازی ریسک‌های ذکر شده، بدون انجام تغییرات گسترده در ترازنامه، به بانک می‌دهند.

اگرچه توجه به ارزش اسمی صرف اقلام خارج از ترازنامه، موجب ارزیابی بیش از حد ریسک مربوط به آنان می‌شود، با این حال افزایش این فعالیت‌ها پدیده‌ای در خور توجه جدی هستند. درواقع، این افزایش هنگامت، ارگان‌های ناظر را به اعمال الزامات سرمایه برچنین فعالیت‌هایی و رسیدن به شناختی ضمنی از ریسک دارامندی² چنین فعالیت‌هایی برای یک مؤسسه مالی سوق داده است.

با توجه به جدول (2-11)، انواع عمده فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بانک‌های آمریکا عبارتند از:

- تعهدات وام
- اعتبارهای اسنادی و اعتبارهای اسنادی ضمانتی
- قراردادهای مشتقه: آتی‌ها، فورواردها، سوپ‌ها و اختیارهای معامله
- اوراق بهادار زمان انتشار
- فروش وام

¹ derivative securities

² solvency risk

جدول 2-11: حجم کل تعهدات خارج از ترازنامه بانک‌های تجاری آمریکا

(میلیارد دلار)

درصد در سال 1999	199 9	199 8	199 7	199 6	199 5	199 4	199 3	199 2	اقدام
10/1	374 9	347 9	308 5	252 9	215 7	176 8	145 5	122 7	تعهدات وام
									قراردادهای اتی و فوروارد (بجز نرخ ارز)
0/3	115	122	109	107	115	54	44	26	برروی کالاها و سهام
15/1	559 5	481 8	408 3	320 1	306 3	343 4	249 7	173 8	برروی نرخ‌های بهره
									مقدار اسمی مشتقه‌های اعتباری
0/2	80/5	59/0	14/3	14/1	4/1	7/6	10/4	4/1	بانک به‌عنوان ضامن
0/3	6 110	70/2	40/4	14/5	7/9	8/4	8/0	4/5	بانک به‌عنوان ذی‌نفع
									اعتبارهای اسنادی ضمانتی و سایر قراردادهای اختیار معامله
7/6	279 1	256 8	208 8	158 9	126 2	102 4	950	505	قراردادهای اختیار معامله فروخته شده روی نرخ‌های بهره
7/7	285 1	250 3	189 7	156 8	122 4	101 5	819	508	قراردادهای اختیار معامله خرید شده روی نرخ‌های بهره
1/8	664	880	756	530	407	341	263	246	قراردادهای اختیار معامله فروخته شده روی نرخ ارز
1/7	645	840	701	503	410	312	15 254	249	قراردادهای اختیار معامله خرید شده روی نرخ ارز
0/8	274	200	165	107	112	78	50	31	قراردادهای اختیار معامله خرید شده- شده روی کالاها
0/8	277	206	146	97	103	71	46	29	قراردادهای اختیار معامله خرید شده روی کالاها
14/0	518 4	572 5	567 6	500 1	452 5	462 0	368 9	301 6	تعهد به خرید ارز خارجی (شامل دلار آمریکا، به‌صورت اسپات و فوروارد)
									اعتبارهای اسنادی ضمانتی به خدمت و ضمانت‌نامه‌های دفاتر خارجی
0/7	245	193	183	167	150	140	131	128	طرف آمریکایی
0/1	52	48	48	45	40	36	32	35	طرف غیر آمریکایی
	(27)	(25)	(27)	(22)	(21)	(20)	(15)	(15)	(مقداری از این اقدام که از طریق مشارکت به سایرین فروخته شده است)
0/1	26	33	29	31	32	33	28	28	اعتبارهای اسنادی تجاری
0/0	0/5	0/7	1/5	1/2	1/1	0/8	0/9	0/8	مشارکت در گشایش‌های فروخته شده به دیگران
0/0	0/2	0/2	0/2	0/2	0/3	0/2	0/2	0/2	مشارکت در گشایش‌های خرید شده به دیگران
0/1	25	24	22	26	18	15	21	11	اوراق بهادار قرض شده
1/0	374	348	297	208	150	140	127	96/4	اوراق بهادار قرض داده شده
0/1	31/4	NA	6/2	14/0	3/6	3/5	7/8	8/7	سایر تعهدات مهم
									موارد یادداشتی:
37/4	1384 0	1016 4	901 8	706 9	554 7	445 1	294 6	212 2	ارزش اسمی همه سولپ‌های نرخ بهره معوقه
0/1	48	41	27	20	15	12	17	17	رهن‌های فروخته شده
100	3697 8	3232 1	3839 2	2283 3	1934 5	1754 9	1349 6	1020 0	کل (شامل موارد یادداشتی)
	5410	5183	5015	4578	4313	3973	3674	3476	کل دارایی‌ها (اقدام داخل ترازنامه)

مأخذ: www.fdic.gov/Statistics on Banking, FDIC

6-11- تجربه بانک‌های ایران در فعالیت‌های خارج از ترازنامه

همان‌طور که گفته شد، گسترش فعالیت‌های خارج از ترازنامه به‌عوامل مؤثر در عرضه و تقاضای آن‌ها بستگی دارد. گسترش بازارها، رقابتی‌تر شدن فضای اقتصاد و ارتباط روزافزون با اقتصاد جهانی، موجب افزایش تقاضا برای واسطه‌گری‌های مالی همچون بانکداری می‌شود تا مبادله در قالب روابط جدید امکانپذیر شود. از طرفی بانک‌ها نیز با افزایش رقابت بین یکدیگر که توسعه بانکداری خصوصی نوید آن را می‌دهد، علاوه بر ملاحظه‌های هزینه و کارایی، به ارائه خدماتی ترغیب می‌شوند که درآمدهای بیشتری را برای آنان دربرداشته باشد که برآورده کردن تقاضاهای جدید بازار در همین راستا است.

آنچه که گفته شد، شرایط موجود بانکداری جهانی و احياناً افق پیش‌روی بانکداری در ایران را ترسیم می‌کند. آشکار است که میزان انجام فعالیت‌های خارج از ترازنامه به‌وسیله بانک‌های ایرانی نیز از یک‌سو منعکس‌کننده توسعه شکل‌های جدید مبادله در داخل و میزان ارتباط با دنیای خارج (تقاضا برای این‌گونه فعالیت‌ها) و از سوی دیگر میزان رقابت‌پذیری بانک‌ها در شرایط جدید (عرضه این‌گونه فعالیت‌ها) است. در این قسمت سعی شده است که با ارائه آمار و ارقام مربوطه، توسعه فعالیت‌های خارج از ترازنامه در ایران از دو بعد عرضه و تقاضا مورد بررسی قرار گیرند. نکته دیگری که در این‌مورد دارای اهمیت است، مسائل و مشکلاتی است که گسترش فعالیت‌های خارج از ترازنامه ممکن است در پی داشته‌باشند. مهمترین این مشکلات، مسئله ریسک بانک‌ها در پرداختن به چنین عملیاتی است که با محاسبه نسبت‌های سرمایه به دارایی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گفتنی است که آمار و ارقام مورد استفاده در این مطالعه از گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال‌های 1383 و 1384 استخراج شده است. براین اساس، فقط آمار چهار سال اخیر، 1380 تا 1383، در دسترس محققان بوده است؛ چراکه ترازنامه‌های تفکیکی بانک‌های کشور هیچ‌گاه به‌صورت مدون چاپ نشده است. تنها آماری که به‌طور کامل در دسترس بود، ترازنامه مجموع بانک‌های تجاری و تخصصی کشور بود که بانک مرکزی بیش از سی سال است، منتشر می‌کند. براساس همین آمار، به دو دلیل می‌توان گفت که بررسی

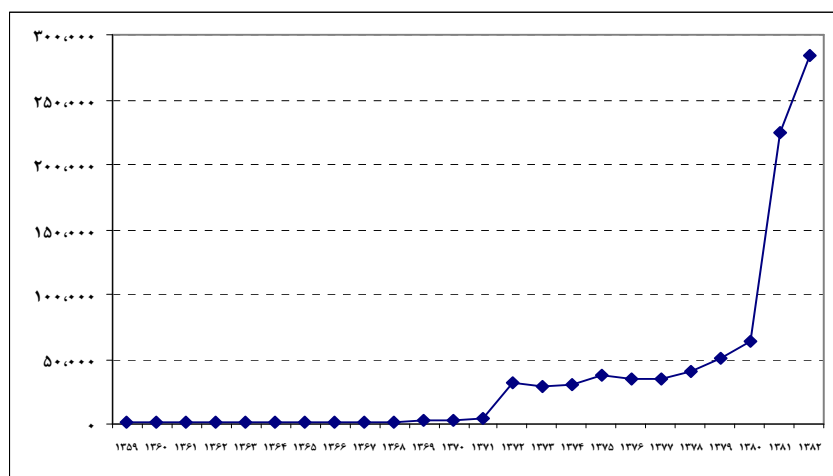
فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور در چهار سال اخیر، اطلاعات بسیاری را درباره روند تحولات فعالیت‌های خارج از ترازنامه در اختیار قرار می‌دهد.

اول اینکه، رشد نسبتاً زیاد فعالیت‌های خارج از ترازنامه در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است؛ به‌طوری‌که ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور از سال 1377 شروع به افزایش کرده است و در سال 1381 به میزان 250 درصد رشد داشته و به 224 هزار میلیارد ریال رسیده است.¹

این درحالی‌است که رشد مجموع ارزش فعالیت‌های داخل ترازنامه (جمع دارایی‌ها یا بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام) بانک‌های کشور، به‌طور میانگین در این سال‌ها 36 درصد بوده است. به نمودارهای (11-1) و (11-2) توجه کنید.

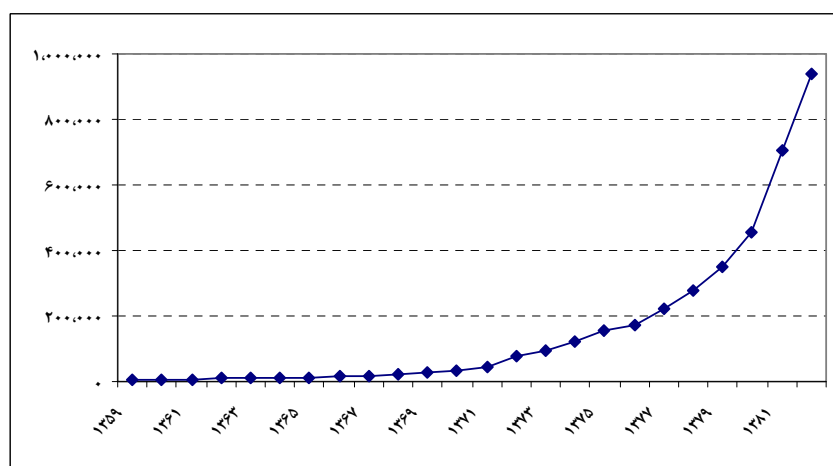
نمودار 11-1: میزان تغییرات ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های تجاری و تخصصی کشور در سال‌های 1359 تا 1382

¹ این ارقام براساس آمار گزارش اقتصادی و ترازنامه سال 1382 بانک مرکزی نقل شده است. نکته گفتنی این است که آمارهای مربوط به ترازنامه بانک‌های تجاری و تخصصی کشور مندرج در گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های منتشرشده به‌وسیله بانک مرکزی با آمارهای حاصل از جمع کردن اقلام ترازنامه‌ای گزارش‌شده توسط خود بانک (که در گزارش عملکرد بانک‌ها آمده است) تا حدودی متفاوت است. در این‌مورد (ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه)، رقم حاصل از منبع دوم 294 هزار میلیارد ریال است. البته برای مقاصد تحلیل‌های ارائه‌شده در این تحقیق، تفاوت‌های موجود، تعیین‌کننده نیستند.



مأخذ: ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی

نمودار 2-11: میزان تغییرات ارزش فعالیت‌های داخل ترازنامه بانک‌های تجاری و تخصصی کشور در سال‌های 1359 تا 1382



مأخذ: همان

دوم اینکه، بانک‌های خصوصی کشور در سال‌های موردنظر شروع به فعالیت کرده‌اند. به این دلیل این نکته دارای اهمیت است که به‌رغم این که طی این سال‌ها، سهم دارایی‌های

بانک‌های خصوصی از کل دارایی‌های مجموعه بانک‌های کشور در حدود 5 درصد یا کمتر بوده است، سهم ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه این بانک‌ها از ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه مجموعه بانک‌های کشور دارای رشد شگفت‌انگیز 97 درصدی بوده است؛ به‌طوری‌که در سال 1383، یازده درصد از کل فعالیت‌های خارج از ترازنامه را به‌خود اختصاص داده است.

1-6-11- میزان و رشد دارایی‌های خارج از ترازنامه

در این قسمت میزان دارایی‌ها (ارزش فعالیت‌های داخل ترازنامه) و ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه کل بانک‌های تجاری، تخصصی کشور طی یک دوره زمانی 25 ساله (1359 تا 1382) مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس تک‌تک بانک‌ها یا دسته‌بندی خاصی از آنها در سال‌های 1380 تا 1383 بررسی می‌شوند.

1-6-1-1- بررسی فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور در 25 سال گذشته

در جدول (3-11)، براساس گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های منتشرشده به‌وسیله بانک مرکزی، ارزش اسمی میزان کل فعالیت‌های خارج از ترازنامه و داخل ترازنامه (کل دارایی‌ها یا بدهی‌ها) بانک‌های تجاری و تخصصی کشور و نیز نسبت آنها (اقلام خارج از ترازنامه به اقلام داخل ترازنامه) در سال‌های 1359 تا 1382 درج شده است.

جدول 3-11: ارزش فعالیت‌های داخل ترازنامه و خارج از ترازنامه بانک‌های تجاری و تخصصی کشور

(میلیارد ریال)

سال	ارزش فعالیت‌های داخل ترازنامه	ارزش فعالیت‌های خارج ترازنامه	نسبت
۱۳۵۹	۵.۳۳۲/۴	۱.۰۳۸/۶	۰/۱۹
۱۳۶۰	۶.۱۱۵/۹	۸۸۱/۱	۰/۱۴
۱۳۶۱	۷.۵۷۲/۶	۱.۳۳۳/۱	۰/۱۸
۱۳۶۲	۸.۷۴۱/۴	۱.۱۷۸/۵	۰/۱۳
۱۳۶۳	۹.۰۱۲	۹۸۹/۲	۰/۱۱
۱۳۶۴	۱۰.۳۱۷/۱	۱.۱۳۳/۹	۰/۱۱
۱۳۶۵	۱۱.۸۶۲/۷	۹۶۴/۳	۰/۰۸
۱۳۶۶	۱۴.۰۱۱/۶	۱.۰۴۶/۷	۰/۰۷

۱۳۶۷	۱۷,۳۱۰/۴/	۱,۰۱۷/۳	۰/۰۶
۱۳۶۸	۲۱,۱۹۷/۵	۱,۵۱۵/۲	۰/۰۷
۱۳۶۹	۲۶,۶۷۱/۴	۲,۳۷۲/۶	۰/۰۹
۱۳۷۰	۳۵,۳۷۰/۸	۳,۳۱۶/۷	۰/۰۹
۱۳۷۱	۴۵,۷۲۰/۳	۴,۷۳۵/۵	۰/۱۰
۱۳۷۲	۷۵,۵۳۶/۹	۳۲,۵۲۲/۲	۰/۴۳
۱۳۷۳	۹۳,۹۳۹/۳	۲۸,۲۶۶/۴	۰/۳۰
۱۳۷۴	۱۲۳,۸۹۱/۷	۳۰,۷۶۴/۹	۰/۲۵
۱۳۷۵	۱۵۶,۹۶۸/۷	۳۷,۴۳۲/۴	۰/۲۴
۱۳۷۶	۱۷۴,۴۴۵/۶	۳۴,۷۲۴/۵	۰/۲۰
۱۳۷۷	۲۲۳,۰۵۲	۳۴,۳۷۵	۰/۱۵
۱۳۷۸	۲۷۸,۶۹۹/۵	۴۰,۹۱۳	۰/۱۵
۱۳۷۹	۳۵۰,۹۳۴	۵۰,۶۸۷/۹	۰/۱۴
۱۳۸۰	۴۵۶,۱۶۲/۱	۶۴,۳۸۱/۱	۰/۱۴
۱۳۸۱	۷۰۵,۰۸۶/۱	۲۲۳,۹۲۸/۲	۰/۳۲
۱۳۸۲	۹۴۱,۱۴۱/۸	۲۸۴,۶۹۳/۴	۰/۳۰

مأخذ: گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۳

با استفاده از نتیجه به دست آمده در قسمت نسبت های جدول (3-11)، مشاهده می شود که به طور متوسط، بانک های کشور حداکثر به میزان یک سوم فعالیت های داخل ترازنامه ای خود به فعالیت های خارج از ترازنامه پرداخته اند^۱. این میزان در مقایسه با بانک های کشورهای توسعه یافته که یک نمونه از آنها در قسمت قبل ارائه شد (مانند آمریکا که در آن میزان فعالیت های خارج از ترازنامه چندین برابر میزان فعالیت های داخل ترازنامه است)، بسیار ناچیز است.

از طرف دیگر، تنها بخش محدودی از فعالیت های متعارف خارج از ترازنامه در ایران شناخته شده است. عمده عملیات خارج از ترازنامه در ایران، گشایش اعتبارات اسنادی است. یعنی، عامل اصلی در رشد ارقام زیر خط ترازنامه در ایران، صدور گواهی های گشایش اعتبار اسنادی است که برای واردات و صادرات کالاها و مواد اولیه به کار می رود. این ارقام فقط خدماتی کارمزدی هستند که از دید بانک دارای ریسک اندکی هستند.

^۱ هرچند که افزایش قابل توجه واردات کشور در سال های مورد نظر می تواند یکی از دلایل اصلی رشد غیرمترقبه فعالیت های خارج از ترازنامه باشد، با این حال تاکنون ارزش فعالیت های خارج از ترازنامه در مقابل ارزش دارایی های بانک قابل توجه نیست.

در واقع، به نظر می‌رسد که فعالیتهای خارج از ترازنامه در نظام بانکی کشور چندان متداول نیست و به نظر می‌رسد که بانکهای کشور در مقایسه با بانکهای کشورهای پیشرفته، به میزان بسیار کمتری به صدور اعتبارنامه پرداخته‌اند. برای بررسی اینکه چرا چنین وضعیتی در مورد سیستم بانکی کشور ایجاد شده است، دلایل مختلفی بیان می‌شود که در زیر به برخی از مهمترین آنها، از بعد عرضه و تقاضا، اشاره شده است.

الف- استدلال‌هایی از بعد تقاضا:

الف-1- دولتی بودن اقتصاد: یکی از مهمترین دلایل تقاضای اندک برای خدمات خارج از ترازنامه بانکها، دولتی بودن بخش اعظم اقتصاد کشور است. شرکت‌های دولتی بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی کشور هستند و بخش اعظم ارزش افزوده بخش صنعت کشور را همین شرکت‌ها ایجاد می‌کنند. همچنین، بخش عمده ارزش افزوده ایجاد شده در بخش خدمات نیز به وسیله مؤسسه‌های دولتی ایجاد می‌شود. بنابراین متقاضیان بزرگ و اصلی دریافت خدمات بانکی کشور از بخش دولتی می‌آیند. این مسئله، همراه با این واقعیت که بیش از 90 درصد فعالیتهای بانکی کشور نیز به وسیله بانکهای دولتی انجام می‌شود، به راحتی نبود تقاضا برای خدمات خارج از ترازنامه را توجیه می‌کند؛ زیرا هیچ یک از انگیزه‌های اقتصادی- مالی (از جمله تقسیم ریسک) و مقرراتی (از جمله تخفیف مالیاتی) و پرداختن به فعالیتهای خارج از ترازنامه دیگر معنا نخواهد داشت.

الف-2- عدم تأثیر نوسان‌های نرخ بهره و تورم در تأمین مالی شرکت‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد که اصولاً سیستم بانکی تنها عامل تعیین کننده در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در ایران نبوده است. در مورد بخش صنعت، به طور متوسط 39 درصد از منابع مالی شرکت‌ها (دولتی، خصوصی و نهادها) از طریق فروش محصولات آنها تأمین شده است، 38 درصد از منابع مالی شرکت‌ها از طریق بانکها (تسهیلات تکلیفی و غیرتکلیفی) و 23 درصد از طریق سایر منابع تأمین شده است.¹ به این ترتیب، بنگاه‌های اقتصادی که بخش عمده منابع مالی خود را از نهادهایی به غیر از بانکها تأمین کرده‌اند، کمتر تحت تأثیر نوسانات نرخ بهره قرار می‌گیرند، بنابراین کمتر مجبور به توسل به فعالیتهایی می‌شوند که ریسک نرخ بهره آنها را پوشش دهد. این نوع فعالیتهای که در بازارهای مشتقه با قراردادهایی چون

¹ نیلی و همکاران (1382).

قراردادهای آتی، فوروارد، اختیار معامله و سوآپ انجام می‌گیرند، به‌طور کلی در زمره فعالیت‌های خارج از ترازنامه قرار می‌گیرند.

الف-3- عدم انتشار اوراق بهادار به‌وسیله شرکت‌ها: مشکلات قانونی و مهم‌تر از آن شفاف نبودن بازارهای مالی در ایران همواره مانع از آن شده است که شرکت و مؤسسات دست به انتشار اوراق بهادار مختلف بزنند. باتوجه به اینکه تبدیل به اوراق و هرگونه فعالیتی از این نوع، از جمله فعالیت‌های خارج از ترازنامه محسوب می‌شود. نبود چنین امکانی برای شرکت‌ها نیز موجب کاهش فعالیت‌های خارج از ترازنامه شده است.

ب- استدلال‌هایی از بعد عرضه

ب-1- عدم انگیزه سیستم بانکی به توسعه: سیستم بانکی کشور عمدتاً متشکل از بانک‌های دولتی است. به‌همین دلیل و ناکارایی‌های حاصل از آن دارای انگیزه کمی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها است. درخور توجه است که اصولاً پایه و زیرساخت‌های ایجاد رابطه با مشتری در بانک‌های خصوصی می‌تواند توسعه پیدا کند.

ب-2- بیشتر فعالیت‌های خارج از ترازنامه، فعالیت‌های ایجاد اعتبار برای مشتریان بانک است، از جمله آن‌ها به تضمین محصولات و اوراق تجاری منتشر شده از سوی مشتریان و قراردادهای محصولات مشتقات (OTC) می‌توان اشاره کرد.

امور مربوط به قراردادهای محصولات مشتقه و OTC در ایران شناخته شده نیستند. این درحالی است که بخش عمده فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بانکداری بین‌المللی به این‌گونه فعالیت‌ها اختصاص دارد [به‌عنوان مثال به جدول (2-11) در مورد بانک‌های آمریکا توجه کنید]. شفاف نبودن نقل و انتقالات مالی، کم‌عمق بودن بازارهای مالی، نبود ابزارها به دلیل مسائل حقوقی و عدم امکان به‌کارگیری ابزارها به دلیل ابهام در مفهوم نرخ بهره از مهمترین دلایل شکل نگرفتن این دسته از خدمات بانکی در ایران هستند. راه‌گرایز از این موانع شفاف‌سازی روابط مالی در جامعه، ایجاد بازارهای مالی برای محصولات گوناگون، تصویب قوانین مربوطه و اعمال نظارت‌های مناسب است. بنابراین، لازم است که دولت با تصویب و اعمال قوانین لازم، راه را برای به‌کارگیری خدمات اعتباری، که کمبود آنها در جامعه به شدت محسوس است، باز کند.

2-1-6-11- بررسی تفکیکی فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور در سال‌های

اخیر

آنچه که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، فعالیت‌های خارج از ترازنامه کل سیستم بانکی بود. هرچند این داده‌های کلی حاوی اطلاعات بالارزشی بودند، اما اگر به‌طور تفکیکی مورد کنکاش قرار گیرند، می‌توانند نکات سودمند دیگری را نیز درباره فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور نشان دهند.

در جدول (4-11) ارزش دفتری فعالیت‌های داخل ترازنامه (جمع دارایی‌ها) و در جدول (5-11) ارزش دفتری فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور درج شده است. برای مقایسه بین این دو نوع از فعالیت‌های بانک‌ها، در جدول (6-11) نسبت ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه به ارزش دارایی‌های بانک‌ها محاسبه شده است. با نگاهی به نسبت‌های به‌دست‌آمده برای بانک‌های کشور، به‌نظر می‌رسد که از نظر میزان پرداختن به فعالیت‌های خارج از ترازنامه، سه تفکیک عمده را می‌توان بین بانک‌ها قائل شد: بانک‌های دولتی تجاری^۱، بانک‌های دولتی تخصصی^۲ و بانک‌های خصوصی^۳.

جدول 4-11: ارزش دارایی‌های بانک‌های کشور در سال‌های 1380 تا 1383

(میلیارد ریال)

شماره	بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	بانک تجارت	۶۶،۹۳۳	۸۷،۸۸۱	۱۱۴،۵۰۴	۱۶۷،۴۵۵
۲	بانک رفاه	۱۳،۹۷۳	۲۰،۲۶۳	۲۷،۶۱۹	۴۱،۳۱۴
۳	بانک سپه	۳۸،۸۵۸	۶۲،۸۶۸	۸۳،۲۳۲	۱۲۲،۱۲۸
۴	بانک صادرات	۱۵۶،۸۵۶	۱۳۲،۸۷۴	۷۴،۲۵۸	-
۵	بانک ملت	۵۲،۲۸۲	۹۴،۲۷۹	۱۴۶،۷۵۶	۲۰۳،۹۷۹
۶	بانک ملی	۱۰۶،۹۲۶	۱۶۲،۸۱۵	۲۱۵،۲۰۰	۲۸۴،۵۶۴
۷	پست بانک	۸۵۶	۲،۳۱۷	۱۷،۲۷۳	۲،۶۲۱
۸	بانک توسعه صادرات	۳،۵۰۸	۵،۸۱۶	۶،۵۸۸	۱۱،۹۴۳
۹	بانک صنعت و معدن	۵،۵۵۹	۷،۷۷۰	۹،۹۵۲	۱۸،۲۸۵

^۱ شامل بانک‌های تجارت، رفاه، سپه، صادرات، ملت، ملی و پست بانک.

^۲ شامل بانک‌های توسعه صادرات، صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن.

^۳ شامل بانک‌های اقتصادنوین، پارسیان، سامان و کارآفرین.

۹۶۹۹	۹,۲۹۹	۱۳,۷۰۰	۱۲,۴۶۳	بانک کشاورزی	۱۰
۶۱,۹۱۱	۴۲,۵۱۲	۳۴,۶۴۸	۲۵,۹۵۱	بانک مسکن	۱۱
۶,۷۸۰	۲,۷۰۹	۹۰۹	۳۰۳	بانک اقتصاد نوین	۱۲
۳۱,۲۶۹	۸,۶۱۶	۱,۷۷۴	۳۷۳	بانک پارسیان	۱۳
۲۲۴	۹۷۶	۲,۶۸۱	۶,۹۵۲	بانک سامان	۱۴
۶,۵۴۴	۳,۴۳۵	۱,۷۶۹	۵۷۹	بانک کارآفرین	۱۵
۹۶۸,۷۱۵	۷۶۳,۱۲۹	۶۳۳,۲۶۴	۴۹۲,۳۷۲	کل بانک ها	

مأخذ: همان

جدول 5-11: ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور در سال‌های 1380 تا 1383

(میلیارد ریال)

شماره	بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	بانک تجارت	۵۲,۸۶۸	۵۲,۴۴۷	۶۶,۰۴۰	۱۰۲,۰۵۰
۲	بانک رفاه	۳,۳۷۷	۷,۱۳۱	۹,۲۳۷	۸,۴۳۴
۳	بانک سپه	۱۰,۰۶۶	۳۰,۹۱۲	۳۳,۳۷۶	۴۸,۴۷۶
۴	بانک صادرات	۵۳,۲۵۱	۴۸,۵۱۵	۱۳,۸۴۶	-
۵	بانک ملت	۱۰,۸۴۱	۴۱,۸۲۷	۶۲,۸۲۳	۸۶,۸۰۶
۶	بانک ملی	۱۱,۱۳۴	۴۳,۷۶۰	۵۵,۰۵۹	۷۳,۱۲۷
۷	پست بانک	۰	۰	۰	۰
۸	بانک توسعه صادرات	۹,۴۲۲	۱۴,۷۰۸	۱۷,۸۵۷	۲۷,۸۰۶
۹	بانک صنعت و معدن	۸,۶۲۵	۱۳,۰۵۸	۲۲,۷۵۵	۴۳,۵۲۴
۱۰	بانک کشاورزی	۳۱,۴۷۱	۳۳,۴۲۵	۵۰,۶۶۴	۷۸,۰۰۲
۱۱	بانک مسکن	۵۶۴	۹۸۷	۱,۲۳۳	۴,۰۷۶
۱۲	بانک اقتصاد نوین	۱۰	۴۳	۶۰	۳۸۵
۱۳	بانک پارسیان	۰	۲,۳۹۵	۱۲,۵۲۳	۳۷,۴۲۲
۱۴	بانک سامان	۱,۳۳۲	۶۴۵	۲۸۵	۲۵
۱۵	بانک کارآفرین	۱,۲۸۲	۴,۲۲۱	۸,۱۱۴	۲۰,۲۹۵
کل بانک ها		۱۸۱,۶۱۹	۲۸۶,۷۷۰	۳۳۲,۸۹۰	۴۷۲,۳۰۱

مأخذ: همان

درمورد بانک‌های دولتی تجاری، به‌جز بانک تجارت^۱، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه کمتر از نصف حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است. این نسبت، درباره بانک ملی که بزرگترین بانک کشور از نظر میزان دارایی‌ها است، از تمامی بانک‌های دیگر کمتر است؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر در حدود 26 درصد بوده است.

درمورد بانک‌های دولتی تخصصی، به‌جز بانک مسکن، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه بیش از چند برابر حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است. این نسبت در سال 1383 برای بانک‌های توسعه صادرات و صنعت و معدن در حدود 2/5 برابر و برای بانک کشاورزی در حدود 8 برابر بوده است.

درمورد بانک‌های خصوصی، به‌جز بانک‌های اقتصادنویین و سامان که البته سهم کمی از بازار بانکداری خصوصی کشور را در اختیار دارند، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه در حدود دو برابر حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است.

باتوجه به آنچه که درباره میزان پرداختن به فعالیت‌های خارج از ترازنامه گفته شد و نیز ساختار یا نحوه مدیریت و عملکرد بانک‌ها، به‌نظر می‌رسد که تفکیک انجام‌شده، تفکیک معناداری باشد. بنابراین، در ادامه، بررسی‌ها براساس این تفکیک انجام خواهند شد.

جدول 6-11: نسبت ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور به ارزش دارایی‌های آنها در سال‌های 1380 تا 1383

(درصد)

شماره	بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	بانک تجارت	۰/۷۹	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۶۱
۲	بانک رفاه	۰/۲۴	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۲۰
۳	بانک سپه	۰/۲۶	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۴۰
۴	بانک صادرات	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۱۹	-
۵	بانک ملت	۰/۲۱	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۳
۶	بانک ملی	۰/۱۰	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۶

^۱ بانک تجارت به‌دلیل نوع خاص فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، بیشتر از سایر بانک‌های تجاری به فعالیت‌های خارج از ترازنامه پرداخته است.

۷	پست بانک	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۸	بانک توسعه صادرات	۲/۶۹	۲/۵۳	۲/۷۱	۲/۳۳
۹	بانک صنعت و معدن	۱/۵۵	۱/۶۸	۲/۲۹	۲/۳۸
۱۰	بانک کشاورزی	۱/۷۲	۲/۴۴	۵/۴۵	۸/۰۴
۱۱	بانک مسکن	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۷
۱۲	بانک اقتصاد نوین	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۶
۱۳	بانک پارسیان	۰/۰۰	۱/۳۵	۱/۴۵	۱/۲۰
۱۴	بانک سامان	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۲۹	۰/۱۱
۱۵	بانک کارآفرین	۲/۲۱	۲/۳۹	۲/۳۶	۳/۱۰
کل بانک‌ها		۰/۳۷	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۴۹

مأخذ: همان

در جدول (7-11) نسبت ارزش کل اقلام خارج از ترازنامه به جمع کل دارایی به تفکیک انواع مختلف بانک‌ها درج شده است. با توجه به این جدول، مشاهده می‌شود که: (1) طی سال‌های 1380 تا 1381، در انواع مختلف بانک‌ها، فعالیت‌های خارج از ترازنامه نسبت به فعالیت‌های داخل ترازنامه پیوسته در حال افزایش بوده است؛ (2) سهم فعالیت‌های خارج از ترازنامه به کل فعالیت‌ها، برای بانک‌های تجاری دولتی کمتر از دو نوع دیگر بانک‌ها بوده است؛ (3) سهم فعالیت‌های خارج از ترازنامه به کل فعالیت‌ها، برای بانک‌های دولتی تخصصی بیشتر از دو نوع دیگر بانک‌ها بوده است.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد که با توجه به سابقه و قدمت بانک‌های دولتی تجاری در فعالیت‌های سنتی بانکداری و همچنین حجم بسیار بالای دارایی‌های آن‌ها نسبت به سایر بانک‌ها^۱، این بانک‌ها صاحب قدرت بازار عظیمی شده‌اند. به این ترتیب، بانک‌های کوچکتر (بانک‌های دولتی تخصصی و بانک‌های خصوصی) خود را با رقبای بزرگی روبه‌رو می‌بینند و مجبور بوده‌اند که برای کسب درآمد دست به فعالیت‌های دیگری بزنند که فعالیت‌های خارج از ترازنامه از آن جمله است.^۲

^۱ به جدول (8-11) مراجعه کنید.

^۲ به جدول (9-11) مراجعه کنید.

البته نمی‌توان گفت که بانک‌های خصوصی در پرداختن به فعالیت‌های سنتی بانکداری ناموفق بوده‌اند؛ چراکه بررسی بخش سپرده‌ها در صورت بدهی‌های آنها، رشد فزایندهٔ سپرده‌گذاری در این بانک‌ها را نشان می‌دهد. در واقع، مشکل اصلی بانک‌های خصوصی در این مورد، تازه‌تأسیس‌بودن و بالطبع کم‌بودن سرمایهٔ آنان بوده است که موجب گسترش نیافتن سریع شعب و ارائه خدمات به‌وسیلهٔ آنها می‌شود. در مورد بانک‌های دولتی تخصصی نیز این نکته دارای اهمیت است که دلیل تأسیس چنین بانک‌هایی به آنها اجازه می‌دهد که علاوه بر انجام حمایت‌های اعتباری از بخش‌هایی خاص، بتوانند حمایت‌های دیگری چون گشودن ضمانت‌نامه‌های مختلف برای مشتریان خاص را نیز انجام دهند. بیشتر این حمایت‌های نوع دوم از جمله فعالیت‌های خارج از ترازنامه هستند. بنابراین این نوع بانک‌ها را از تحلیل‌ها خارج کرده‌ایم و فقط به مقایسهٔ بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی تجاری می‌پردازیم.

جدول 7-11: سهم دارایی‌های هریک از انواع بانک‌ها از کل دارایی‌های سیستم بانکی کشور

(درصد)

بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	نرخ رشد
بانک‌های دولتی تجاری	۸۹	۸۹	۸۹	۸۵	-۱
بانک‌های دولتی تخصصی	۱۰	۱۰	۹	۱۱	۳
بانک‌های خصوصی	۲	۱	۲	۵	۴۱

مأخذ: همان

جدول 8-11: سهم ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه هریک از انواع بانک‌ها از کل ارزش فعالیت‌های

خارج از ترازنامه سیستم بانکی

(درصد)

بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	نرخ رشد
بانک‌های دولتی تجاری	۷۷	۷۶	۶۸	۶۰	-۸
بانک‌های دولتی تخصصی	۲۲	۲۱	۲۶	۲۹	۱۰
بانک‌های خصوصی	۱	۲	۶	۱۱	۹۷

مأخذ: همان

جدول 9-11: نسبت ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه به فعالیت‌های داخل ترازنامه

هریک از انواع بانک‌ها

(درصد)

بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
بانک‌های دولتی تجاری	۰.۳۲	۰.۴۰	۰.۳۵	۰.۳۹
بانک‌های دولتی تخصصی	۰.۸۴	۱.۰۰	۱.۳۵	۱.۵۱
بانک‌های خصوصی	۰.۳۲	۱.۰۲	۱.۳۳	۱.۳۰
کل بانک‌ها	۰.۳۷	۰.۴۵	۰.۴۴	۰.۴۹

مأخذ: همان

دلیل دیگری که می‌توان درباره اینکه بانک‌های خصوصی کشور نسبت به بانک‌های دولتی تجاری، هریک در مقیاس خود، بیشتر به فعالیت‌های خارج از ترازنامه پرداخته‌اند، توجه به

محدودیت کفایت سرمایه بانکهای دولتی تجاری است. بیشتر فعالیتهای خارج از ترازنامه مستلزم تقسیم ریسک بین بانک و مشتریان بانک است. در واقع، افزون بر اینکه بانکها با پرداختن به برخی از فعالیتهای خارج از ترازنامه می توانند قسمتی از ریسکهای اعتباری خود را پوشش دهند، برخی فعالیتهای خارج از ترازنامه نیز ریسک آنها را افزایش می دهند. براساس ادبیات ارائه شده، خالص اثر مجموعه این فعالیتها مشخص نیست، اما آنچه که دارای اهمیت است، خطر بالقوه وجود ریسک در پرداختن به این نوع فعالیتها است. بنابراین، بانکها همواره با توجه به نسبتهای اهرم و کفایت سرمایه خود که منعکس کننده ریسکهای پیش روی آنان است، اقدام به چنین عملیتهایی می کنند. در ادامه، با استفاده از تعدیل ریسک داراییهای داخل و خارج از ترازنامه، سه نمونه از سه دسته از بانکهای کشور انتخاب شده و به عنوان نماینده هر دسته، با دیگر بانکها از نظر کافی بودن سرمایه و اهرم مقایسه می شوند. این نمونهها عبارتند از: بانک ملی به عنوان نماینده بانکهای دولتی تجاری، بانک صنعت و معدن به عنوان نماینده بانکهای دولتی تخصصی و بانک پارسیان به عنوان نماینده بانکهای خصوصی.

به طور سنتی، اهرم از تقسیم سرمایه اصلی¹ بانک که عبارت است از حقوق صاحبان سهام آن به مجموعه داراییها، به دست می آید. این نسبت نشان می دهد که سرمایه بانک تا چه میزان توانسته است که داراییهای بانک که ایجادکننده درآمد آن است را اهرم کند. هرچه این نسبت بزرگتر باشد، امنیت بیشتری را برای بانک ایجاد می کند و هرچه کوچکتر باشد، نشانگر این است که بنگاه در فعالیتهای خود بیشتر باید بر بدهیها تکیه کند و بنابراین با ریسک ورشکستگی بیشتری روبه رو است.

نسبت سنتی اهرم را می توان با ریسکهای متفاوت داراییهای متفاوت بانک تعدیل کرد. در واقع، با این کار، نسبت سرمایه به داراییها به طور واقعی تری نشانگر ریسک خواهد بود؛ چراکه داراییهای مختلف از نظر میزان نقدشوندگی (ریسک نقدینگی) و درآمدزایی (ریسک اعتباری) متفاوت هستند و اصولاً مسئله بانک در مدیریت داراییها نیز تصمیم گیری براساس این دو معیار است. بنابراین، داراییها نقد بانک، خطری را متوجه بانک نمی کنند و داراییهای هرچه پربازده تر باشند، ریسک بیشتری را دربر خواهند داشت. برای همین منظور،

¹ core capital or TIRE I capital

کمیته بال اجزای ترازنامه را براساس ریسک طبقه‌بندی کرده است [به جدول (10-11) توجه کنید]. در این مطالعه، برای تعدیل ریسک بانک‌های نمونه از این استاندارد استفاده شده است.

جدول 10-11: طبقه‌بندی اجزای ترازنامه براساس ریسک توسط کمیته بال

(درصد)

ریسک	اقلام
0	موجودی نقد، ذخیره قانونی، اوراق قرضه دولتی
20	اوراق بهادار سازمان‌ها و نهادهای معتبر
50	وام‌های رهنی مسکن
100	سایر وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، دارایی‌های ثابت

به این ترتیب نسبت سرمایه اصلی به دارایی‌ها، با تعدیل ریسک، به نسبت سرمایه اصلی به دارایی‌های تعدیل‌شده با ریسک تبدیل می‌شود. همچنین، باید در نظر داشت که به حساب آوردن اقلام خارج از ترازنامه نیز یک قدم دیگر جهت واقعی‌تر کردن نسبت سرمایه به دارایی‌ها است. در این مورد نیز کمیته بال اقلام مختلف دارایی‌های خارج از ترازنامه بانک‌ها را بر اساس ریسک تقسیم‌بندی کرده است [به جدول (11-11) توجه کنید] که براساس آن می‌توان اقلام خارج از ترازنامه را براساس ریسک تعدیل کرد.

جدول 11-11: طبقه‌بندی اجزای خارج از ترازنامه براساس ریسک توسط کمیته بال

(درصد)

ریسک	اقلام
100	اعتبارهای اسنادی ضمانتی (جایگزین مستقیم اعتبار)
50	اعتبارهای اسنادی ضمانتی (مرتبط به عملکرد)
50	بخش استفاده نشده تعهدات وام با سررسید بیشتر از یک سال
20	اعتبارهای اسنادی تجاری
0	سایر تعهدات وام

با استفاده از استانداردهای بالا می‌توان نسبت سرمایه به دارایی‌ها را به‌صورت زیر ارائه کرد:

کل دارایی‌های تعدیل شده با ریسک / سرمایه اصلی = نسبت سرمایه به دارایی‌های

(تعدیل شده با ریسک)

که در آن سرمایه اصلی عبارت‌است از حقوق صاحبان سهام و کل دارایی‌های اصلی تعدیل شده با ریسک، مجموع دارایی‌های داخل و خارج ترازنامه است که با ریسک تعدیل شده‌اند.

گفتنی است که نسبت سرمایه دیگری نیز برای بانک‌ها محاسبه می‌شود که آن را نسبت سرمایه مبتنی بر کل ریسک¹ می‌نامند و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

کل دارایی‌های تعدیل شده با ریسک / (سرمایه اصلی یا نوع اول + سرمایه نوع دوم) = نسبت سرمایه مبتنی بر کل ریسک
که در آن سرمایه نوع دوم عبارت‌است از مجموع ارزش اوراق قرضه بدون پشتوانه² و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول³. با توجه به اینکه استفاده از سرمایه نوع دوم در بانک‌های ایران کمتر رایج است، حاصل محاسبه دو نسبت اخیر یکسان خواهد بود.

در زیر سه نسبت سرمایه اصلی به دارایی‌ها، سرمایه اصلی به دارایی‌های تعدیل شده با ریسک و سرمایه اصلی به کل دارایی‌های تعدیل شده ریسک برای سه بانک نمونه، در سال‌های 1380 تا 1383، محاسبه شده و در جدول‌های (11-12)، (11-13)، و (11-14) درج شده است.⁵

¹ total risk based capital ratio

² Tire II capital

³ subordinated debentures

⁴ reserve for loan losses

⁵ لازم به ذکر است بخش اعظم فعالیت‌های خارج از ترازنامه کشور شامل گشایش ضمانت‌نامه‌های مختلف و اعتبارنامه‌های تجاری است. بنابراین کل فعالیت‌های خارج از ترازنامه آن‌ها با ریسک 20 درصد در نظر گرفته شده است.

جدول 11-12: نسبت‌های سرمایه بانک ملی از سال 1380 تا 1383

نسبت ها	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
اهرم 1 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی ها)	۲/۲	۴/۹	۳/۱	۸/۸
اهرم 2 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی های تعدیل شده با ریسک)	۳/۴	۷/۲	۴/۷	۱۲/۱
اهرم 3 (نسبت سرمایه نوع اول به کل دارایی های تعدیل شده با ریسک)	۳/۳	۶/۷	۴/۴	۱۱/۳
نسبت کل سرمایه ریسکی بانک	۳/۳	۶/۷	۴/۴	۱۱/۳

جدول 11-13: نسبت‌های سرمایه بانک صنعت و معدن از سال 1380 تا 1383

نسبت ها	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
اهرم 1 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی ها)	۳۸/۵	۳۲/۳	۲۸/۵	۴۱/۵
اهرم 2 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی های تعدیل شده با ریسک)	۵۱/۰	۴۰/۸	۳۳/۶	۴۷/۶
اهرم 3 (نسبت سرمایه نوع اول به کل دارایی های تعدیل شده با ریسک)	۳۶/۲	۲۸/۶	۲۱/۸	۳۰/۸
نسبت کل سرمایه ریسکی بانک	۳۶/۲	۲۸/۶	۲۱/۸	۳۰/۸

جدول 11-14: نسبت‌های سرمایه بانک پارسیان از سال 1380 تا 1383

نسبت ها	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
اهرم 1 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی ها)	-	۲۰/۲	۵/۲	۷/۷
اهرم 2 (نسبت سرمایه نوع اول یا اصلی به دارایی های تعدیل شده با ریسک)	-	۴۲/۱	۷/۲	۱۰/۳
اهرم 3 (نسبت سرمایه نوع اول به کل دارایی های تعدیل شده با ریسک)	-	۳۷/۰	۵/۱	۷/۸
نسبت کل سرمایه ریسکی بانک	-	۳۷/۰	۵/۱	۷/۸

ارقام جدول‌های بالا نشان می‌دهند که بانک‌های دولتی تجاری (که بانک ملی نماینده آنان است) از نظر نسبت‌های سرمایه در سال‌های مورد نظر در وضعیت مناسبی قرار نداشته‌اند و با توجه به اینکه وارد کردن ارقام خارج از ترازنامه در محاسبات سبب کاهش این نسبت‌ها می‌شود، بنابراین عدم توسعه این گونه فعالیت‌ها نسبت به فعالیت‌های ترازنامه‌ای، دارای توجیه است. در صورتی که، بانک‌های دولتی تخصصی و خصوصی از این نظر دارای وضعیت بهتری هستند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله فعالیت‌های خارج از ترازنامه که از دو دهه پیش تاکنون رشد فزاینده‌ای را در بانکداری نشان داده‌اند معرفی شده و دلایل رشد آنها به‌طور عمومی و خاص مورد بررسی قرار گرفتند. علاوه بر این، مزایا و معایب آنها نیز از جنبه‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفت.

در بررسی‌های تجربی انجام‌شده در مورد بانک‌های ایران، به‌طور خلاصه، ملاحظات زیر قابل تأمل است:

1- فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بانک‌های ایران در مقایسه با بانک‌های کشورهای پیشرفته صنعتی بسیار کمتر رشد کرده و گسترش یافته‌اند. با توجه به اینکه بسیاری از فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بازارهای دست دوم و مشتقه انجام می‌شوند، نبود بازارهای شفاف مالی و نبود ابزارها، نهادها، قوانین و ساختارهای نظارتی خاص این بازارها از دلایل عدم گسترش فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بانک‌های ایران است.

وجود ابهام در مفهوم نرخ بهره و نبود یا عدم اعلام آن در اقتصاد کشور نیز از دلایل مهم عدم گسترش بازارهای مشتقه است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که نظام بانکی کشور یکی از کارکردهای مهم خود که تخصیص ریسک در اقتصاد است را انجام نمی‌دهد. از دلایل دیگر می‌توان به دولتی بودن اقتصاد کشور، عدم انتشار اوراق بهادار به‌وسیله شرکت‌ها و عدم انگیزه سیستم بانکی برای توسعه اشاره کرد. بنابراین فعالیت‌های محدود خارج از ترازنامه بانک‌های کشور فقط شامل گشایش ضمانت‌نامه‌های مختلف و اعتبارهای اسنادی تجاری بوده است.

۹۶۹۹	۹,۲۹۹	۱۳,۷۰۰	۱۲,۴۶۳	بانک کشاورزی	۱۰
۶۱,۹۱۱	۴۲,۵۱۲	۳۴,۶۴۸	۲۵,۹۵۱	بانک مسکن	۱۱
۶,۷۸۰	۲,۷۰۹	۹۰۹	۳۰۳	بانک اقتصاد نوین	۱۲
۳۱,۲۶۹	۸,۶۱۶	۱,۷۷۴	۳۷۳	بانک پارسیان	۱۳
۲۲۴	۹۷۶	۲,۶۸۱	۶,۹۵۲	بانک سامان	۱۴
۶,۵۴۴	۳,۴۳۵	۱,۷۶۹	۵۷۹	بانک کارآفرین	۱۵
۹۶۸,۷۱۵	۷۶۳,۱۲۹	۶۳۳,۲۶۴	۴۹۲,۳۷۲	کل بانک ها	

مأخذ: همان

جدول 5-11: ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور در سال‌های 1380 تا 1383

(میلیارد ریال)

شماره	بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	بانک تجارت	۵۲,۸۶۸	۵۲,۴۴۷	۶۶,۰۴۰	۱۰۲,۰۵۰
۲	بانک رفاه	۳,۳۷۷	۷,۱۳۱	۹,۲۳۷	۸,۴۳۴
۳	بانک سپه	۱۰,۰۶۶	۳۰,۹۱۲	۳۳,۳۷۶	۴۸,۴۷۶
۴	بانک صادرات	۵۳,۲۵۱	۴۸,۵۱۵	۱۳,۸۴۶	-
۵	بانک ملت	۱۰,۸۴۱	۴۱,۸۲۷	۶۲,۸۲۳	۸۶,۸۰۶
۶	بانک ملی	۱۱,۱۳۴	۴۳,۷۶۰	۵۵,۰۵۹	۷۳,۱۲۷
۷	پست بانک	۰	۰	۰	۰
۸	بانک توسعه صادرات	۹,۴۲۲	۱۴,۷۰۸	۱۷,۸۵۷	۲۷,۸۰۶
۹	بانک صنعت و معدن	۸,۶۲۵	۱۳,۰۵۸	۲۲,۷۵۵	۴۳,۵۲۴
۱۰	بانک کشاورزی	۳۱,۴۷۱	۳۳,۴۲۵	۵۰,۶۶۴	۷۸,۰۰۲
۱۱	بانک مسکن	۵۶۴	۹۸۷	۱,۲۳۳	۴,۰۷۶
۱۲	بانک اقتصاد نوین	۱۰	۴۳	۶۰	۳۸۵
۱۳	بانک پارسیان	۰	۲,۳۹۵	۱۲,۵۲۳	۳۷,۴۲۲
۱۴	بانک سامان	۱,۳۳۲	۶۴۵	۲۸۵	۲۵
۱۵	بانک کارآفرین	۱,۲۸۲	۴,۲۲۱	۸,۱۱۴	۲۰,۲۹۵
کل بانک ها		۱۸۱,۶۱۹	۲۸۶,۷۷۰	۳۳۲,۸۹۰	۴۷۲,۳۰۱

مأخذ: همان

منابع و مأخذ

ساسان‌گهر، پرویز (1383) *«گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال 1382»*، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از سال 1359 تا سال 1382.

نیلی، مسعود و همکاران (1382) *«استراتژی توسعه صنعتی کشور»*، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

Benet, Barbara (1986) *“Off Balance Sheet Risk in Banking: the Case of Standby letters of Credit”*, Federal Reserve Bank of San Francisco Economic Review, NO.1, pp. 19-29.

Breuer, Peter (2002) *“Measuring Off-Balance-Sheet Leverage”*, Journal of Banking and Finance, Vol. 26, Issues 2-3, 223-242.

Casu, Barbara and Claudia Girardone (2004) *“An Analysis of Relevance of Off-Balance-Sheet Items in Explaining Productivity Change in European Banking”*, Working Paper, University of Reading.

Chaudry, Mukesh K. (1992) *“Commercial Bank's Off- Balance Sheet Activities and their Relationship with Market- Based Risk Measures”*, Doctorial Candidates, Cleveland State University.

Clark, J.A, and Siems, T.F. (2002) *“X- Efficiency in Banking: looking Beyond the Balance Sheet”*, Journal of Money, Credit, and Banking, vol. 34, 4, November, 987-1013.

درمورد بانک‌های دولتی تجاری، به‌جز بانک تجارت¹، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه کمتر از نصف حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است. این نسبت، درباره بانک ملی که بزرگترین بانک کشور از نظر میزان دارایی‌ها است، از تمامی بانک‌های دیگر کمتر است؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر در حدود 26 درصد بوده است.

درمورد بانک‌های دولتی تخصصی، به‌جز بانک مسکن، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه بیش از چند برابر حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است. این نسبت در سال 1383 برای بانک‌های توسعه صادرات و صنعت و معدن در حدود 2/5 برابر و برای بانک کشاورزی در حدود 8 برابر بوده است.

درمورد بانک‌های خصوصی، به‌جز بانک‌های اقتصادنویین و سامان که البته سهم کمی از بازار بانکداری خصوصی کشور را در اختیار دارند، حجم فعالیت‌های خارج از ترازنامه در حدود دو برابر حجم فعالیت‌های داخل ترازنامه است.

باتوجه به آنچه که درباره میزان پرداختن به فعالیت‌های خارج از ترازنامه گفته شد و نیز ساختار یا نحوه مدیریت و عملکرد بانک‌ها، به‌نظر می‌رسد که تفکیک انجام‌شده، تفکیک معناداری باشد. بنابراین، در ادامه، بررسی‌ها براساس این تفکیک انجام خواهند شد.

جدول 6-11: نسبت ارزش فعالیت‌های خارج از ترازنامه بانک‌های کشور به ارزش دارایی‌های آنها در سال‌های 1380 تا 1383

(درصد)

شماره	بانک	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	بانک تجارت	۰/۷۹	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۶۱
۲	بانک رفاه	۰/۲۴	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۲۰
۳	بانک سپه	۰/۲۶	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۴۰
۴	بانک صادرات	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۱۹	-
۵	بانک ملت	۰/۲۱	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۳
۶	بانک ملی	۰/۱۰	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۶

¹ بانک تجارت به‌دلیل نوع خاص فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، بیشتر از سایر بانک‌های تجاری به فعالیت‌های خارج از ترازنامه پرداخته است.